

۳- بازرگانی خارجی

سال ۱۳۵۸ از نظر عقد قرارداد های بازرگانی، سالی نسبتاً کم تحرک بود. از یک سو به دلیل سیاست های ارزی دولت، محدودیتهای وارداتی و تحریم اقتصادی امکانات واردات کاهش یافت و از سوی دیگر گسترش معاملات پایاپای با بلوک شرق نیز قابل ملاحظه نبود. همچنین روشن نبودن چارچوب فعالیتهای اقتصادی تا حدود زیادی از تقاضا برای واردات کاست. ارزش صادرات غیر نفتی کشور از افزایشی معادل ۴۵/۷ درصد برخوردار گردید.

بازرگانی خارجی (بدون نفتوگاز) کشور

درصد تغییر		(مبلغ به میلیون دلار)		
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۷	
۴۵/۷	-۱۳/۲	۷۹۱	۵۴۳	صادرات
-۶/۳	-۲۹/۱	۹۰۷۱۷	۱۰۰۳۷۲	واردات

مأخذ: آمار بازرگانی خارجی ایران

الف - صادرات (بدون نفتوگاز)

در سال ۱۳۵۸ حدود ۸۸۵ هزار تن کالا با ارزش ۷۹۱ میلیون دلار از کشور صادر گردید که از لحاظ ارزش نسبت به سال قبل معادل ۴۵/۷ درصد افزایش داشت. افزایش صادرات غیر نفتی کشور معلول افزایش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی

بود. بطوریکه ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی که در سال ۱۳۵۷ معادل ۳۵۱ میلیون دلار بود در سال ۱۳۵۸ به حدود ۲۰۸ میلیون دلار بالغ گردیدند و سهم آن نسبت به کل صادرات غیر نفتی از ۶۶ درصد به حدود ۹۰ درصد افزایش پیدا کرد.

ارزش صادرات غیر نفتی کشور

ارزش (میلیون دلار)		درصد تغییر		سهم	
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۷
کالاهای سنتی و کشاورزی	۳۶۸/۹	۷۰۷/۹	-۱۶/۷	۹۱/۹	۶۶/۳
کالاهای کانی فلزی	۱۰/۹	۳۲/۶	-۷۶/۶	۱۹۹/۱	۵/۶
کالاهای صنعتی	۱۶۳/۰	۵۰/۸	۲۰/۲	-۶۸/۸	۲۸/۱
جمع	۵۴۲/۸	۷۹۱/۳	-۱۳/۲	۴۵/۸	۱۰۰/۰

با توجه به وابسته بودن تولیدات صنعتی کشور به واردات ماشین آلات و مواد اولیه و نظر به محدودیتهای وارداتی در سال ۱۳۵۸ تولیدات داخلی کاهش یافته و در نتیجه صادرات صنعتی کشور با توجه به افزایش تقاضای داخلی برای این نوع کالاها که در اثر محدود شدن ورود کالاهای مصرفی ایجاد شده بود، ارزش صادرات صنعتی کشور حدود ۶۹ درصد کاهش پیدا کرد و سهم آن نسبت به کل صادرات غیر نفتی کشور از ۲۸/۱ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۶/۴ درصد در سال مورد گزارش تقلیل یافت.

ارزش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی ارزشی معادل ۹۲ درصد برخورد ارگردید.

در بین اقلام تشکیل دهنده صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی صادرات فرش خصوصاً "فرشهای گرانقیمت رشد قابل ملاحظه‌ای داشت. بطوریکه ارزش صادرات این کالا نسبت به رقم مشابه سال قبل بیش از چهار برابر شد و به ۳۵۷ میلیون دلار بالغ گردید. این افزایش باعث ارزیابی دقیق‌تر و همچنین خروج فرشهای گرانقیمت توسط مسافرین بود.

ب - واردات گمرکی

در سال ۱۳۵۸ حدود ۱۳ میلیون تن کالا به ارزش ۹،۷۱۷ میلیون دلار وارد کشور شد که علیرغم ۸/۹ درصد افزایش در وزن کالاهای وارداتی کشور به دلیل تغییر در ترکیب کالاهای وارداتی که مآلاً "منجر به واردات بیشتر کالاهای سنگین ولی ارزان قیمت تر گردید. از ارزش واردات به میزان ۶/۳ درصد کاسته گردید. در این رابطه کاهش واردات لوکس و مصرفی غیر ضروری که از وزن کمتری بهای بیشتر برخوردارند موثر بوده است.

ثابت سفارش

در سال ۱۳۵۸، ثابت سفارش بخش خصوصی برای واردات کالاهای متجاوز از ۱۰،۵۰۷ میلیون دلار بود که نسبت به دوره ماقبل ۴۴/۶ درصد افزایش داشت. در میان گروههای عمده کالاهای وارداتی، ثابت سفارش برای مواد پلاستیک مصنوعی با ۱۶۸/۴ درصد افزایش، بالاترین رشد را دارا بود. تقاضا برای واردات محصولات غذایی و نوشابه هانیز ۱۰۷/۷ درصد افزایش یافت. در مقابل ثابت سفارش برای ورود مواد معدنی و وسایط نقلیه به ترتیب با کاهش معادل ۳۲/۱ درصد و ۱/۴ درصد روبهرو شدند.

ثابت سفارش برای واردات کالا برحسب گروههای عمده توسط بخش خصوصی

(مبالغ به میلیون دلار)

د درصد تغییر ۱۳۵۸	۱۳۵۸	۱۳۵۷	
۵۵/۴	۴۲۰/۷	۲۷۰/۷	حیوانات زنده و محصولات حیوانی
۱/۵	۳۴۲/۶	۱۳۲۷/۴	محصولات نباتی
۱۰۷/۷	۲۰۱/۳	۹۶/۹	محصولات غذایی و نوشابه
-۳۲/۱	۴۴/۹	۶۶/۱	محصولات معدنی
۵۷/۱	۱۰۰۶۶/۱	۶۷۸/۸	صنایع شیمیایی
۱۶۸/۴	۱۰۰۰۱/۶	۳۷۳/۲	مواد پلاستیک مصنوعی
۱۲۷/۲	۱۰۰۳۵/۴	۴۵۵/۷	الیاف نسجی و مصنوعات آنها
۳۴/۸	۲۰۳۹۴/۷	۱۰۷۷۶/۱	فلزات معمولی آهن آلات و غیره
۵/۹	۱۰۸۸۷/۷	۱۰۷۸۲/۱	ماشین آلات
-۱/۴	۶۴۳/۹	۶۵۳/۲	وسایط نقلیه
۸۹/۷	۱۰۴۶۸/۴	۷۷۴/۱	سایر
۴۴/۶	۱۰۰۵۰۷/۳	۷۰۲۶۴/۳	ثابت سفارش

در سال مورد گزارش سهم ثبت سفارش ورود کالا توسط بخش خصوصی از طریق اعتبارات اسنادی افزایش یافت و به ۸۶/۶ درصد رسید و در مقابل سهم ثبت سفارش از طریق بروات وصولی کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و به ۱۳/۴ درصد محدود گردید.

ترکیب ثبت سفارش ورود کالا توسط بخش خصوصی

(درصد)		
۱۳۵۸	۱۳۵۷	
۸۶/۶	۶۲/۸	اعتبارات اسنادی
۱۳/۴	۳۷/۲	بروات وصولی
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

ه - سیاستهای ارزی و بازرگانی خارجی

در سال ۱۳۵۸ به دلیل تحولات بسیاری که در اقتصاد کشور به وقوع پیوست تغییرات زیادی در سیاستهای ارزی و بازرگانی خارجی انجام گرفت. سال مورد گزارش اولین سال فعالیت حکومت جدید محسوب می شد و تصویب قانون اساسی تغییر در بسیاری از سیاستهای گذشته را ضروری می ساخت.

در زمینه بازرگانی خارجی اصل چهل و چهارم قانون اساسی تجارت خارجی را برعهده دولت قرارداد و مقدمات تغییر در مقررات بازرگانی خارجی طی سال فراهم گردید. از جمله در سال مورد گزارش مقررات صادرات و واردات گمرکی کشور در جهت تحدید واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری و تسهیل واردات مواد اولیه مورد نیاز صنایع و کالاهای اساسی صورت گرفت. به این ترتیب از محدودیتهایی که در سالهای گذشته جهت ورود کالاهای اساسی و مواد اولیه برقرار گردیده بود تا حدودی کاسته شد و در مقابل محدودیتهای جدید تری در مورد واردات کالاهای مصرفی لوکس اعمال گردید.

ضمناً طرح مربوط به تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا توسط دولت مورد بررسی

قرارگرفت.

در زمینه سیاستهای ارزی، بانک مرکزی تغییراتی در نظام مصرف ارز داد به این معنی که خرج ارز برای بسیاری از اقلام منوط به تصویب بانک و ارائه مدارک لازم گردید. همچنین سیستم چند نرخ برای جلوگیری از سوء استفاده های سودجویانه در مورد خرج ارز ایجاد شد. در سال جاری جهت جلوگیری از خروج بی رویه ارز از کشور که قسمت عمده آن در گذشت بصورت قرار سرمایه از کشور خارج می شد، فروش ارز برای مصارف ارزی دانشجویان، بیماران، مسافران طبق بخشنامه های مکرر توسط بانک مرکزی تحت ضوابط مشخص تعیین گردید.

از سوی دیگر در پانزدهم اردیبهشت ماه صادر کنندگان موثف به سپردن پیمان ارزی شدند. به این ترتیب به بانکها اجازه داده شد که ارز حاصل از صادرات کالاهای ایرانی را بانخ غیر رسمی از صادر کنندگان خریداری نمایند. ارزهای خریداری شده به نوبه خود از طرف بانکها به متقاضیان واجد شرایط به نرخ غیر رسمی فروخته می شود. هدف از این تغییر جلوگیری از فروش ارز - صادراتی در بازار غیر رسمی و از میان بردن رونق این بازار بود.

در مورد ارزهای خدماتی از یک طرف میزان فروش ارز به مسافران، دانشجویان و دانشجویان طی سال طبق بخشنامه های متفاوت رویه گامش نهاد و از طرف دیگر نرخ برابری ارز برای این قبیل خدمات افزایش یافت. در پایان سال کلیه نقل و انتقالات ارزی تنها با ارائه مدارک امکان پذیر بود.

در مورد ارزش خارجی ریال، بانک مرکزی متوسط نرخ رسمی یک دلار برابر با ۷۰/۴۷۵ ریال را همچنان در سال مورد گزارش حفظ نمود، هر چند که به تدریج از اوایل سال یک سیستم چند نرخ جایگزین سیستم موجود گردید. از جمله در اردیبهشت ماه نرخهای غیر رسمی برای خرید ارز حاصل از صادرات غیر نفتی و فروش ارز برای پارنای از خدمات برقرار شد. متعاقب آن در اواسط سال نرخ اعلام شده برای فروش قسمتی از ارز به مسافران به بانکهای کشور اعلام گردید.

فصل دهم

بانکد زای و سیاستهای پولی و اعتباری

در سال ۱۳۵۸ با تثبیت نسبی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور و برگشت
تدریجی اعتماد عمومی به سیستم بانکی بر سرعت رشد فعالیت‌های سیستم بانکی
کشور نیز افزوده شد و رشد دارائیهای (بدیهیهای) سیستم بانکی از ۱۴/۳
درصد در سال ۱۳۵۷ به ۲۴/۵ درصد رسید .

سیاستهای جدید دولت انقلابی در جهت تنظیم مصرف جامعه و کاهش
واردات کالاهای لوکس و غیر ضروری و صرفه جوئی در هزینه های ارزی از یک سو
و افزایش درآمد نفت بعلت بالا رفتن بهای نفت صادراتی از سوی دیگر موجب
گردید موازنه ارزی کشور از مزاد قابل توجهی برخوردار گردد و در نتیجه
ضمن آنکه از بدیهیهای خارجی بانکها ۶۸/۴ میلیارد ریال کاسته
شده بر مانده دارائیهای خارجی سیستم بانکی ۳۳۶/۹ میلیارد ریال
افزوده گردید . بدین ترتیب خالص دارائیهای خارجی سیستم بانکی سریعاً
و به میزان ۴۰۵/۳ میلیارد ریال افزایش یافت و به ۹۹۵/۷ میلیارد ریال
رسید در حالیکه مانده خالص دارائیهای خارجی سیستم بانکی در سال
۱۳۵۷ به ۵۹۰/۴ میلیارد ریال محدود شده بود (۲) . همزمان با افزایش
فعالیت‌های بخش دولتی به منظور بازسازی و احیاء فعالیت‌های تولیدی در این
سال بدیهی این بخش به سیستم بانکی با سرعت بیشتری از سال ۱۳۵۷ و به میزان
۴۲/۳ درصد افزایش یافته و مانده آن به ۲۰۰۴۲/۸ میلیارد ریال رسید .
بالعکس بدیهی بخش خصوصی به سیستم بانکی در همین دوره بعلت محدود
شدن فعالیت‌های اقتصادی این بخش در مقایسه با فعالیت‌های بخش دولتی
رشدی معادل ۱۷/۲ درصد نشان داد که در سطح سال ۱۳۵۷ می باشد .

(۲) - خالص دارائیهای خارجی سیستم بانکی در سال ۱۳۵۸ شامل دارائی‌های
بلوکه شده در خارج نیز می باشد .

در طرف بدیهیها نیز حجم پول و شبه پول با اعاده اعتماد عمومی به سیستم بانکی در این سال رشدی حدود ۳۸ درصد (در مقابل ۲۳ درصد در سال قبل آن) نشان داده و مانده آن به ۳،۵۵۰ میلیارد ریال رسید . سپرده ها و وجوه بخش دولتی نزد سیستم بانکی نیز در این سال در مقایسه با سال قبل سریعاً افزایش یافته و رشدی حدود ۳۷ درصد نشان داده و مانده آن به ۱،۰۷۳/۳ میلیارد رسیده است .

اقلام عمد ۵۰ دارائیه‌ها و بد هیهای سیستم بانکی

(میلیارد ریال)

درصد تغییر		مانده در پایان اسفند			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۲۴/۶	۱۴/۳	۸۰۸۲۱/۷	۷۰۰۸۶/۷	۶۰۲۰۲/۷	دارائیه‌ها :
۳۸/۲	-۱/۸	۱۰۲۱۹/۴	۸۸۲/۵	۸۹۸/۸	دارائیه‌های خارجی
۴۲/۳	۳۸/۲	۲۰۰۴۲/۸	۱۰۴۳۵/۵	۱۰۰۳۸/۸	بد هی بخش دولتی
۱۷/۲	۱۷/۷	۲۰۵۷۷/۴	۲۰۱۹۹/۰	۱۰۸۶۸/۸	بد هی بخش خصوصی
۱۶/۰	۷/۲	۲۰۹۸۲/۱	۲۰۵۶۹/۷	۲۰۳۹۶/۳	سایر (۱)
۲۴/۵	۱۴/۳	۸۰۸۲۱/۷	۷۰۰۸۶/۷	۶۰۲۰۲/۷	بد هیها :
۳۷/۷	۲۳/۰	۳۰۵۵۰/۰	۲۰۵۷۸/۶	۲۰۰۹۷/۰	پول و شبه پول
۳۷/۳	۱۱/۵	۱۰۰۷۳/۳	۷۸۱/۵	۷۰۰/۹	سپرده و وجوه بخش دولتی
-۲۳/۴	۹/۲	۲۲۳/۷	۲۹۲/۱	۲۶۷/۶	بد هیهای خارجی
-	۱۸/۰	-	۳۹۱/۹	۴۳۲/۰	حساب سرمایه
۳۰/۶	۸/۵	۳۰۹۷۴/۷ ^(۲)	۳۰۰۴۲/۶	۲۰۸۰۵/۲	سایر (۱)

(۱) - شامل تعهدات مشتریان بابت اعتبارات گشایش یافته، ضمانتنامه‌ها و پذیرشهای باشد.

(۲) - مانده سایر بد هیها شامل حساب سرمایه سیستم بانکی است و این حساب بعلت مقدماتی

بودن حسابهای سود و زیان کلیه بانکها گزارش نشده است.

۱- بررسی منابع و مصارف سیستم بانکی

در سال ۱۳۵۸ همزمان با بهبود نسبی فعالیتهای اقتصادی گسترش نقش

دولت در سیستم اقتصادی کشور، حذف بهره و جایگزینی آن با کارمزد و سود تضمین شده.

و محدود شدن فعالیتهای استقراضی بانکها در بازارهای پولی بین‌المللی تغییرات

عمده‌ای در ترکیب منابع و مصارف وجوه سیستم بانکی پدید آمد. نظریه متفاوت بودن حوزه وظایف و عملیات بانکهای تجاری و تخصصی، منابع و مصارف این بانکها به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف - منابع و مصارف بانکهای تجاری

در سال مورد گزارش، منابع و مصارف بانکهای تجاری در ستخوش تحولات بسیاری گردید. عمده‌ترین این تغییرات در رابطه با روند افزایش سهم سپرده‌های بخش خصوصی در کل منابع وجوه این بانکها بود. این سپرده‌ها که در سال ۱۳۵۷ حدود ۵۹ درصد از منابع بانکهای تجاری را تشکیل می‌دادند در سال مورد بحث سهم خود را به متجاوز از ۶۷ درصد رسانیدند. این افزایش بیشتر ناشی از اعاده اعتماد عمومی به سیستم بانکی بود که در اثر آن حجم سپرده‌های بخش خصوصی نزد بانکهای تجاری از ۱۰۶۷۱/۶ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۷ به ۲۰۴۶۶/۶ میلیارد ریال رسید. طی همین دوره سهم سپرده‌ها و وجود بخش دولتی نزد بانکهای تجاری و بدین این بانکها به بانک مرکزی در کل منابع آنها از حدود ۸ درصد به حدود ۶ درصد رسید. در مقایسه، به دلیل بازپرداخت سریع بدهیهای خارجی توسط بانکها، سهم اینگونه بدهیها در کل منابع بانکهای تجاری از ۳/۳ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۱۱/۱ درصد رسید. به این ترتیب بدهیهای خارجی از ۹۳/۰ میلیارد ریال به ۳۹/۴ میلیارد ریال محدود گردید. در سایر منابع تغییرات عمده‌ای صورت گرفته است. از سوی دیگر، در ترکیب مصارف بانکهای یاد شده نیز تغییراتی حاصل گردید. وامها و اعتبارات اعطائی بانکهای تجاری به بخش خصوصی ۱۸/۱ درصد افزایش یافته و مانده آن در پایان دوره به ۸۴۴/۴ میلیارد ریال رسید.

علیرغم این افزایش به دلیل ثبات سرعت رشد وامها و اعتبارات در طول این دوره و افزایش سرعت رشد کل داراییها سهم آن از ۵۴/۷ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵۰/۲ درصد محد و دگشت . همزمان با افزایش سریع سپرده ها ذخایر مسدود بانکها از محل سپرده های بخش خصوصی معادل ۶۷/۴ درصد افزایش یافت و مانده آن از ۴۲۴/۵ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۷ به ۷۱۰/۸ میلیارد ریال رسید و سهم آن در کل نیز از ۱۴/۹ درصد به ۱۹/۴ درصد رسید . در میان سایر مصارف، داراییهای خارجی در این دوره ۱۳۹/۳ درصد افزایش یافت و مانده آن بالغ بر ۱۲۴/۷ میلیارد ریال گردید و سهم آن در کل از ۱/۸ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۳/۴ درصد رسید . سپرده های بانکهای تجارتي نزد بانک مرکزی ایران با ۱۳۹/۸ درصد افزایش از ۱۱۲/۳ میلیارد ریال به ۲۶۹/۳ میلیارد ریال بالغ گردید و سهم آن در کل مصارف این بانکها از ۳/۹ درصد به ۷/۳ درصد افزایش یافت . در سایر مصارف بانکهای مذکور تغییر عمده حاصل نگردیده است .

ب - منابع و مصارف بانکهای تخصصی

بررسی وضع مانده منابع و مصارف بانکهای تخصصی بیانگر این نکته است که این بانکها با استفاده از تسهیلات ارزی و اعتباری بانک مرکزی در این دوره قادر به کاهش اتکاء خود به بازارهای سرمایه خارجی گردیدند . بدیهی بانکهای مذکور به بانک مرکزی و سپرده های بخش خصوصی نزد این بانکها به ترتیب ۴۹/۱۹ و ۲۶/۵ درصد افزایش یافت و از ۱۳۱/۴ و ۱۰۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۱۶۶/۲ و ۱۵۵/۵ میلیارد ریال در پایان دوره بالغ گردید . باین ترتیب سهم این دو متغیر در کل منابع بانکهای مذکور روبرو افزایش نهالویه ترتیب به ۱۸/۲ درصد و ۱۷/۰ درصد رسید . در سایر اقلام منابع داخلی تغییر چندانی مشاهده نمی شود ، لیکن بدیهیهای خارجی بانکهای تخصصی کاهش ^{برابر} ۱۶/۷ درصد نشان داد به طوریکه مانده آن از ۱۷۵/۷ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۷ به ۱۴۶/۴ میلیارد ریال محدود گردید . بدین ترتیب سهم

بد می نمای خارجی بانک های مذکور در کل منابع از ۲۲/۱ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۱۶/۰ درصد رسید . در قسمت مصارف ، وامها و اعتبارات اعطائی به بخش خصوصی ۱۵/۱ درصد افزایش یافت و مانده آن به ۷۳۳/۰ میلیارد ریال رسید ، و این سهم این وامها و اعتبارات در کل مصارف بانکهای تخصصی در سطح ۸۰/۳ درصد ثابت ماند . ذخایر مسدود این بانکها نیز با کاهش معادل ۱۱/۹ درصد از ۱۶/۸ میلیارد ریال به ۱۴/۸ میلیارد ریال محدود شد و سهم آن از ۲/۱ درصد در کل مصارف به ۱/۶ درصد رسید . در رقم نقد در صندوق و اوراقهای خارجی بانکهای تخصصی در گروه از نظر سهم قابل ملاحظه نبودند ولی با رشد زیادی (به ترتیب ۵۵/۶ درصد و ۲۳/۳ درصد) روبرو شدند . در سایر اقسام مصارف بانکهای مورد بحث تغییر قابل ملاحظه ای رخ نداد .

۲- سیستم بانکی و بخش دولتی

در دوره مورد گزارش پراکنده دولت به منابع مالی سیستم بانکی افزود و خالص بد می دولت به سیستم بانکی معادل ۲۵۴/۲ میلیارد ریال افزایش یافت . افزایش زیررئانی از ۴۹۳/۴ میلیارد ریال افزایش بد می دولت و ۱۳۹/۲ میلیارد ریال افزایش سیرده آن نزد سیستم بانکی بود . خالص بد می شرکتها و موسسات دولتی در دوره مورد مطالعه ۶۱/۳ میلیارد ریال افزایش نشان داد که این افزایش شامل ۱۱۳/۹ میلیارد ریال از بد می شرکتها و موسسات دولتی و ۵۲/۶ میلیارد ریال افزایش سیرده و بجهت موسسات مذکور می باشد .

مجموع خالص بد می بخش دولتی به سیستم بانکی ۳۱۵/۴ میلیارد ریال افزایش یافت و افزایش زیررئانی ۲۳۹/۹ میلیارد ریال افزایش بد می بخش دولتی به بانکهای جاری و تخصصی و ۷۵/۶ میلیارد ریال افزایش خالص بد می بخش دولتی به بانک مرکزی ایران بود . در این دوره خالص بد می دولت به سایر شرکتها و موسسات دولتی سه بانک مرکزی به ترتیب معادل ۱۲/۹ میلیارد ریال و ۲/۲ میلیارد ریال افزایش نشان داد .

در سال ۱۳۵۷^{نیز} به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور خالص بد می بخش دولتی به سیستم بانکی معادل ۲۱۶/۱ میلیارد ریال افزایش یافته بود . رقم اخیر

شامل ۲۳۴/۶ میلیارد ریال افزایش خالص بدهی دولتی و ۸۱/۵ میلیارد ریال از یاد خالص بدهی شرکتها و موسسات دولتی بود. لازمست ذکر میاشد که تغییر در مانده خالص بدهی بخش دولتی به بانکهای تجاری و تخصصی، تا حدود زیادی ناشی از بازخرید اوراق قرضه اجباری آنها توسط بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۵۷ و فروش مدد آتی بانکهای مذکور در سال ۱۳۵۸ بوده است.

تغییر در مانده خالص بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی (میلیارد ریال)			
	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶
دولت	۲۵۴/۲	۲۳۴/۶	۳۲۶/۱
بانک مرکزی	(۱۲/۹)	(۳۷۳/۲)	(۲۱۷/۶)
تجاری و تخصصی	(۲۴۱/۳)	(-۱۳۸/۶)	(۱۰۸/۵)
سایر شرکتها و موسسات دولتی	۶۱/۳	۸۱/۵	-۱۰۸/۳
بانک مرکزی	(۶۲/۷)	(۱۱۱/۲)	(-۱۰۹/۵)
تجاری و تخصصی	(-۱/۴)	(-۲۹/۷)	(۱/۲)
بخش دولتی	۳۱۵/۵	۳۱۶/۱	۲۱۷/۸
بانک مرکزی	(۷۵/۶)	(۴۸۴/۴)	(۱۰۸/۱)
تجاری و تخصصی	(۲۳۹/۹)	(-۱۶۸/۳)	(۱۰۹/۷)

۳- سیستم بانکی و بخش خصوصی

در دوره مورد گزارش به دلیل بهبود نسبی در فعالیتهای اقتصادی، مشخص شدن مشی کلی اداره امور بانکها، و حذف بهره از سیستم بانکی به مانده وامها و اعتبارات اعطائی بانکهای تجاری و تخصصی به بخش خصوصی به ترتیب ۱۸/۱ درصد و ۱۵/۱ درصد افزوده گردید.

الف- بانکهای تجاری و بخش خصوصی

همزمان با تضمین سپردههای بخش خصوصی توسط دولت و بانک مرکزی ایران، مبلغ ۷۹۵/۰ میلیارد ریال بر سپردههای بخش خصوصی افزوده شد که ۲۸۶/۳

میلیارد ریال از آن از طریق تودیع سپرده های قانونی نزد بانک مرکزی و خرید اوراق قرضه الزامی مسدود گردید . در نتیجه معادل ۵۰۸/۷ میلیارد ریال بر منابع آزاد بانکهای تجاری از محل سپرده های بخش خصوصی افزوده شد . از این مبالغ ۲۸۲/۲ میلیارد ریال به صورت وام و اعتبار به بخش خصوصی پرداخت شد و در نتیجه تغییر در مازاد منابع بانکهای تجاری از محل سپرده های بخش خصوصی به ۲۲۶/۵ میلیارد ریال رسید . این مازاد به صورت افزایش سپرده های دیداری بانکها نزد بانک مرکزی و افزایش دارائی های خارجی منعکس شده و قسمتی نیز صرف تسویه مقداری از بدهی های ارزی و سایر بدهی ها گردید .

تغییر در مانده منابع اعتباری بانکهای تجاری از محل سپرده های

بخش خصوصی

(میلیارد ریال)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	
۵۰۸/۷	۲۴۱/۰	۱- منابع آزاد از محل سپرده های بخش خصوصی
۲۸۲/۲	۲۳۸/۴	۲- وامها و اعتبارات بخش خصوصی
+۲۲۶/۵	+۲/۶	کسری (-) یا مازاد (+) (۵) - (۴)

ب- بانکهای تخصصی و بخش خصوصی

سیاست کلی اقتصادی دولت در مورد توسعه فعالیتهای تولیدی و بخصوص احیای بخش کشاورزی سبب گردید که وام و اعتبار پرداختی بانکهای تخصصی به

بخش خصوصی در این دوره متجاوز از ۹۶ میلیارد ریال افزایش یابد و تغییر قابل توجهی در نحوه توزیع اعتبارات میان بخشهای مختلف اقتصاد پیدا شود .
به این ترتیب سهم اعتبارات بانکهای تخصصی کشاورزی از افزایش قابل ملاحظه برخوردار گردد .

توزیع وامها و اعتبارات بانکهای تخصصی

(درصد)

	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
کشاورزی	۳۳/۰	۲۷/۵	۲۸/۰	
صنعت	۴۶/۲	۵۲/۱	۵۱/۴	
ساختمان	۲۰/۸	۲۰/۴	۲۰/۶	

افزایش وامها و اعتبارات بانکهای تخصصی کشاورزی از ۲۲/۷ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۳ به ۶۶/۶ میلیارد ریال رسید . در مقابل توسعه وامها و اعتبارات بانکهای تخصصی و صنعتی و ساختمانی به ترتیب از ۵۱/۶ و ۱۷/۵ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۵۷ به ۶/۷ و ۲۲/۹ میلیارد ریال رسید .

تکنیک وامها و اعتبارات بانکهای تخصصی

(میلیارد ریال)

	تغییر در مانده		مانده در پایان سال			
	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۸ (۱)	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
کشاورزی	۶۶/۶	۲۲/۷	۲۴۱/۹	۱۷۵/۳	۱۵۲/۶	
صنعتی	۶/۷	۵۱/۶	۳۳۸/۳	۳۳۱/۶	۲۸۰/۰	
ساختمانی	۲۲/۹	۱۷/۵	۱۵۲/۸	۱۲۹/۹	۱۱۲/۴	
جمع	۹۶/۲	۹۱/۸	۷۳۳/۰	۶۳۶/۸	۵۴۵/۰	

(۱) - شامل وامها و اعتبارات مربوط به شرکتهای پیمانکاری و وام مسکن نمی باشد .

ج- تنوع وامها و اعتبارات اخلاقی به بخش خصوصی بر حسب نوع موسسات مالی

بررسی مانده وامها و اعتبارات بخش خصوصی بر حسب نوع موسسات اعتباری حاکی از عدم تغییر کلی در نظام اعطای وام و اعتبار می باشد. اگرچه سهم بانکهای تجاری با افزایش اندک و سهم بانکهای تخصصی با کاهش ناچیز و روگردیده و ولی هر یک از دو گروه بانکهای مورد بحث سهم مشخصی را به خود اختصاص داده اند. به این ترتیب کاهش قابل ملاحظه در توسعه وامهای بانکهای تخصصی منتهی شده گام با افزایش در توسعه وامهای بانکهای تخصصی کشاورزی سهم بانکهای تخصصی را در سطح سال ۱۳۵۲ ثابت نگاه داشته است.

مانده وامها و اعتبارات پرداختی به بخش خصوصی بر حسب نوع موسسات اعتباری

(میلیارد ریال)

مانده در پایان سال			سهم (درصد)			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۱۰۳۳۳/۸	۱۰۵۶۲/۲	۱۰۸۴۴/۴	۷۰/۸	۷۱/۰	۷۱/۶	بانکهای تجاری
۵۴۵/۰	۶۳۶/۸	۷۳۳/۰	۲۹/۲	۲۹/۰	۲۸/۲	بانکهای تخصصی
۱۰۸۶۸/۸	۲۹۱۶۹/۰	۲۰۵۷۲/۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	سیستم بانکی

د- نقدینگی بخش خصوصی

طی دوره مورد بحث رویدادهای اقتصادی و در نهایت تغییر در میزان اعتماد عموم به سیستم بانکی نقدینگی بخش خصوصی و اجزاء متشکله آنرا دستخوش تحولات بسیاری نمود. به این ترتیب، نقدینگی بخش خصوصی چه از نظر ترکیب و چه از نظر مقدار دچار تغییر گردید.

نقد بینگ ملی بهشتیش خند و صی

(میلیارد ریال)

درصد تغییر	میانگین در پایان سال		
	۱۳۵۸	۱۳۵۷	
۳۴/۷	۱۰۶۶۵/۸	۱۰۲۳۶/۵	حجم پول
۴۰/۴	۱۰۸۸۴/۲	۱۰۳۴۲/۱	شبه پول
۳۷/۷	۳۰۵۵۰/۰	۲۰۵۷۸/۶	جمع

ترکیب نقد بینگ بخش خند و صی

سهام (درصد)			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۴۶/۹	۴۸/۰	۳۷/۷	حجم پول
۵۳/۱	۵۲/۰	۶۲/۳	شبه پول

الف - حجم پول

همزمان با اعاده اعتماد عمومی به سیستم بانکی در حجم پول نیز تغییراتی حاصل شد. بدین ترتیب سهم اسکناس و سکه در دست اشخاص در حجم پول کسبه در پایان سال ۱۳۵۷ ۶۴/۹ درصد افزایش یافته بود در سال ۱۳۵۸ به ۵۵/۷ درصد بالغ گردید.

ترکیب حجم پول

سهام (درصد)			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۵۵/۷	۶۴/۹	۴۱/۲	اسکناس و سکه در دست اشخاص
۴۴/۳	۳۵/۱	۵۸/۸	سپرده های دولتی، بخش خصوصی

بسیاری از تغییرات حجم پول در سه ماهه چهارم سال ۱۳۵۸ به وقوع پیوست. در نیمه اول سال اسکناس و مسکوک در دست اشخاص ۶/۱۲ میلیارد ریال کاهش یافت و به ۱/۶۷۳ میلیارد ریال در پایان شهریور رسید. در مقابل نیمه دوم سال ۱۳۵۸ اسکناس و مسکوک در دست اشخاص ۸/۲۵۴ میلیارد ریال افزایش یافت و همزمان با آن بانک مرکزی ایران اقدام به انتشار ۱۰۵ میلیارد ریال اسکناس جدید نمود. رشد اسکناس و مسکوک در دست اشخاص در سال ۱۳۵۸ برابر ۶/۱۵ درصد بود.

سهم سپرده های دیداری بخش خصوصی در حجم پول که در پایان سال ۱۳۵۷ به ۱/۳۵ درصد کاهش یافته بود، در سال ۱۳۵۸ به ۳/۴۴ درصد افزایش یافت.

ب - شبه پول

در این دوره شبه پول سریعاً افزایش یافت و رشد آن از ۷/۲ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۴۰/۴ درصد در سال ۱۳۵۹ رسید. به علاوه در ترکیب آن نیز تغییراتی صورت گرفت و سهم سپرده های پس انداز در کل افزایش قابل ملاحظه ای یافت. لکن از سهم سپرده های مدت دار شدیدا کاسته گردید. بنظر میرسد که دلیل این امر عدم اطمینان سپرده گذاران به آینده و نقدینگی بیشتری است که اصولاً سپرده های دیداری و پس انداز نسبت به سپرده های مدت دار را هستند. البته شایعات مختلف بی اساس در مورد حذف نرخهای بهره بدون پرداخت سود تضمین شده بر روی سپرده ها نیز می تواند تا حدی علت کاهش در سهم سپرده های مدت دار و افزایش سهم سایر سپرده ها باشد.

ترکیب شبه پول

سهم (درصد)		
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶
۶۸/۶	۵۰/۶	۴۹/۴
۳۱/۴	۴۹/۴	۵۰/۶
سپرده های پس انداز بخش خصوصی		
سپرده های مدت دار بخش خصوصی (۱)		

(۱) - شامل حق بیمه و بازنشستگی کارکنان بانکهای باشد.

سپرده های پس انداز و مدت دار بخش خصوصی نیز که در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به میزان ۸۱/۵ میلیارد ریال کاهش یافت بود، در نیمه اول سال ۱۳۵۸ هنگام با افزایش اعتماد عموم به سیستم بانکی ۱۷۷/۱ میلیارد ریال افزایش یافت و متعاقب آن تغییر در شبه پول در نیمه دوم سال ۱۳۵۸ از افزایش قابل ملاحظه ای حـدد و ۳۶۵/۰ میلیارد ریال برخوردار گردید.

ج - عوامل مؤثر در تغییر نقدینگی بخش خصوصی

بررسی عوامل مؤثر در تغییر نقدینگی بخش خصوصی حاکی از افزایشی حدود ۹۲۱ میلیارد ریال در نقدینگی بخش خصوصی طی سال ۱۳۵۸ می باشد. عواملی که در این تغییر مؤثر بود، اندک به ترتیب اهمیت عبارتند از: تغییر در خالص داراییهای خارجی ۴۰۵/۳ میلیارد ریال، تغییر در بخش خصوصی ۳۷۹/۳ میلیارد ریال (۱) و تغییر در خالص بخش دولتی به سیستم بانکی ۳۲۱/۸ میلیارد ریال. علاوه بر این در اثر عملیات مالی بخش دولتی بر روی تغییر نقدینگی که اکثراً انبساطی بوده و به حدود ۱۰۴۶۹ میلیارد ریال رسیده است، اثر عملیات مالی بخش خصوصی حدود ۳۳۳ میلیارد ریال انقباضی بوده است. بدین ترتیب عامل اصلی افزایش نقدینگی در اقتصاد عملیات مالی انبساطی بخش دولتی محسوب می شود که مهم ترین عامل آن درآمدهای نفتی دولت بوده است.

(۱) شامل تغییر در وجه ثبت سفارش کالای بخش خصوصی است.

عوامل مؤثر در تغییر ماندن نقد بینگشی بخش خصوصی

(میلیارد ریال)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۴۲۹/۳	۴۴۶/۰	۱۷۹/۳	حجم پول
۵۴۲/۱	۳۵/۶	۳۲۴/۲	شبه پول
۹۷۱/۴	۴۸۱/۶	۵۰۳/۵	نقد بینگشی بخش خصوصی
۴۰۵/۳	--۴۰/۸	۱۱۸/۵	خالص دریافتیهای خارجی
۳۷۹/۳	۳۳۴/۴	۳۵۳/۹	بدون بخش خصوصی (۱)
۳۲۱/۸	۳۱۲/۴	۱۶۳/۴	خالص بدون بخش دولتی به سیستم بانکی (۲)
-۱۳۵/۰	--۱۲۴/۴	-۱۳۲/۳	خالص سایر (۱)

- ۱- شامل ودیعه ثبت، ستارش کالای بخش خصوصی است .
- ۲- شامل پیش پرداخت اعتبارات اسنادی بخش دولتی می باشد .
- ۳- شامل حساب سرمایه است .

عوامل موثر در تغییر ماندن نقدینگی بخش خصوصی به تفکیک بخش‌های خصوصی و دولتی

(میلیارد ریال)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
<u>۹۷۱/۴</u>	<u>۴۸۱/۶</u>	<u>۵۰۳/۵</u>	۱- تغییر در نقدینگی بخش خصوصی
<u>۱۰۴۶۸/۸</u>	<u>۱۰۰۷۶/۶</u>	<u>۹۴۶/۶</u>	۲- اثر پولی بخش دولتی
(۱۰۱۴۷/۰)	(۷۶۴/۲)	(۷۸۳/۲)	خالص دریافت‌های ارزی بخش دولتی (مازاد)
(۳۱۵/۵)	(۳۱۶/۱)	(۲۱۷/۸)	تغییر در خالص بدهی بخش دولتی سیستم بانکی
(+۶/۳)	(-۳/۷)	(-۵۴/۴)	تغییر در ریش‌پرداخت اعتبارات اسنادی بخش دولتی (افزایش - کاهش +)
<u>-۳۳۳/۲</u>	<u>-۴۲۰/۳</u>	<u>-۳۹۶/۲</u>	۳- اثر پولی بخش خصوصی
(-۷۱۲/۵)	(-۷۵۴/۷)	(-۷۵۰/۱)	خالص پرداخت‌های ارزی بخش خصوصی (کسری)
(۳۷۸/۴)	(۳۳۰/۳)	(۳۵۲/۲)	تغییر در بدهی بخش خصوصی به سیستم بانکی
(+۰/۹)	(+۴/۲)	(+۱/۷)	تغییر در رودیعه ثبت‌س‌نارش کالای بخش خصوصی (افزایش - کاهش +)
<u>-۱۶۴/۲</u>	<u>-۱۷۴/۷</u>	<u>-۴۶/۹</u>	۴- سایر (۱)

(۱) - شامل اختلافات ناشی از اشتباهات آماری و اقلام منظورنشده می‌باشد.

۵- تحولات بانکداری در کشور

گسترش بی رویه شبکه بانکی در دوران قبل از انقلاب که براساس هدفهای سودجویانه

سرمایه گدازان خصوصی و خارجی پایه گذاری شده بود، نه تنها نمی توانست جوابگوی نیازهای

جدید اقتصاد ایران باشد، بلکه برای بازسازی کشور لازم بود تغییر شکل کلی

پیدا کند. عدم اعتمادی که در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ نسبت به سیستم بانکی ایجاد

شده بود، بر نیاز به تضمین سپرده های عموم از طرف دولت دامن می زد. در چنین

شرایطی، به منظور حفظ منافع ملی و بازگردانیدن اعتماد عمومی به سیستم بانکی

در هفدهم خرداد ماه سال ۱۳۵۸ لایحه قانونی ملی شدن بانکهای خصوصی

کشور از تصویب شورای انقلاب گذشت.

در زمان ملی شدن بانکها، سیستم بانکی شامل ۳۶ بانک بود. از این

میان ۷ بانک فعالیتهای تخصصی، ۲۶ بانک فعالیتهای تجاری و سه بانک

دیگر فعالیتهای گسترش ناحیه ای را برعهده داشتند. از نظر سرمایه ۱۳ بانک

به صورت مختلط خصوصی فعالیت می کردند که سرمایه خارجی آنها بین ۱۵ تا

۴۰ درصد بود. یک بانک نیز مختلط دولتی بود و بانک روس و ایران تنها بانک صد

درصد خارجی در شبکه بانکی کشور محسوب می شد.

طبقه بندی بانکهای کشور پیش از ملی شدن

تعداد	دولتی	دولتی مختلط	خصوصی	خصوصی مختلط	خارجی
۸	۱	۱۳	۱۳	۱۳	۱
درصد سرمایه در کل سرمایه سیستم بانکی	۵۸/۲	۱/۶	۲۱/۷	۱۸/۰	۰/۵
درصد سرمایه خارجی در کل سرمایه بانک	—	۴۰	—	۲۳/۶	۱۰۰/۰

تعداد کل واحدهای بانکی از ۹۹۳،۶ در سال ۱۳۵۲ به ۸،۲۷۴ واحد در پایان اسفند ۱۳۵۷ افزایش یافت که از این مقدار ۲،۱۶۷ واحد در تهران و ۱،۸۹۷ واحد آن در مراکز استان و ۴،۱۲۴ واحد مربوط بسایر شهرستانها میباشد. ضمناً ۸۶ واحد بانکی و یک نمایندگی نیز در خارج از کشور فعالیت دارند. بررسی پراکندگی واحدهای بانکی در سراسر کشور نشان میدهد که ۲۶ درصد واحدهای بانکی در تهران متمرکز هستند و بقیه در مراکز استانها و شهرستانها فعالیت دارند بطور کلی بیش از ۹۵ درصد واحدهای بانکی در سراسر کشور متعلق به بانکهای تجاری (۷،۸۳۱ واحد) و ۵ درصد بقیه به بانکهای تخصصی (۴۴۳ واحد) بوده است. شعب مزبور صرفاً مربوط به بانکهای رهنی، تعاون کشاورزی و توسعه کشاورزی بود و سایر بانکهای تخصصی شعبه ای نداشتند.

گسترده گی شبکه بانکی پیش از ملی شدن (۱)

تهران	مراکز استان	سایر نقاط ایران (شهرستانها)	خارج از کشور	
۲۶/۲	۲۲/۹	۴۹/۹	۱/۰	درصد واحدها
۴۹/۸	۲۱/۱	۲۸/۲	۱/۰	درصد کارمندان

(۱) - به دلیل درست نبودن آمار، ارقام مربوط به پایان سال ۱۳۵۷ است. با توجه به توزیع نامطلوب شبکه بانکی در داخل اقتصاد مساوءله ادغام بانکها پس از انتقال مالکیت بانهای خصوصی به دولت ضرورت داشت تا از تعداد بانکهای کوچک جلوگیری شد و با توجه به اصل مهم تمرکز بانکی و وحدت تصمیمات چنانچه از نظر قبول سپرده و وجه از نظر اعطای اعتبار، گردش سپرده ها و اعتبارات در مسیر توسعه و پیشرفت فعالیتهای تولیدی و بازرگانی قرارگیرد. ضمناً با عمل ادغام بانکها و تقویت آنها در فعالیتهای

صحیح وضع مالی اغلب بانکهای نیز بهبود یافته و اعتماد عمومی جلب گردد . طرح ادغام بانکها در مهرماه به تصویب رسید و به بانکهای کشور ابلاغ گردید . طبق این طرح بانکهای تخصصی که دارای تخصص مشابه هستند باید پس از شش ماه بشرح زیر درهم ادغام شوند .

۱- بانک صنعت و معدن : این بانک از ادغام بانکهای اعتبارات صنعتی توسعه صنعتی و معدنی ایران ، توسعه و سرمایه گذاری ایران ، شرکت سرمایه گذاری بانکهای ایران ، صندوق ضمانت صنعتی و صندوق معادن ایجاد می شود .

۲- بانک مسکن : شامل بانکهای رهنی ایران ، ساختمان ، شرکت مسکن سرمایه گذاری ساختمانی بانکهای ایران و کلیه شرکتهای پس انداز و وام مسکن کشور (۱۶ شرکت) میباشد .

۳- بانک کشاورزی : از ادغام بانکهای تعاون کشاورزی ، توسعه کشاورزی و کلیه موسسات اعتباری وابسته به وزارت کشاورزی و عمران روستائی ایجاد شده است .

ادغام بانکهای تجاری کشور بشرح زیر صورت گرفته است :

۱- بانک تجارت که شامل بانکهای ایران و انگلیس ، اعتبارات ایران ، ایران و خاور میانه ، تجارتی ایران و هلند ، بازرگانی ایران ، ایران شهر ، صنایع ایران ، شهریار ایرانیان ، کار بین المللی ، ایران و ژاپن میباشد .

۲- بانک ملت شامل بانکهای تهران ، داریوش ، پارس ، اعتبارات تعاون توزیع ایران ، ایران و عرب ، عمران ، بیمه ایران ، تجارت خارجی ایران و بانک فرهنگیان است .

بانکهای ملی ایران ، سپه ، رفاه کارگران نیز بصورت بانکهای تجاری به فعالیت خود ادامه میدهند .

بانک صادرات ایران که بانکهای گسترش خزر، خوزستان و آذربایجان رانیز دربرمیگیرد به صورت بانکهای استانی فعالیت می نماید. بانک روس و ایران که تنها بانک خارجی ایران بود در هیچ یک از طبقه بندیها قرارنگرفته است.

از تحولات دیگر بانکی طی سال ۱۳۵۸ بسته شدن نمایندگیها و شعب بانکهای خارجی در ایران بود که در بهمن ماه به وقوع پیوست. اگرچه طبق قانون این شعب نمایندگیها باید فعالیت محدودی می داشتند ولی در عمل مبدل به یکی از بزرگترین کانالهای خروج بی رویه ارز از کشور شده بودند و بسته شدن دفاتر بانکهای خارجی در کشور اقدامی در جهت کنترل منابع پولی توسط دولت محسوب می شود.

۶- سیاستهای پولی و اعتباری

مهمترین تحولی که در نظام بانکی کشور پدید آمد، تغییر نظام سود دهی در این سیستم و مطابقت دادن آن با اصول اقتصاد اسلامی بود. طبیعتاً در چنین سیستمی سرمایه گذاریها بر اساس نیازهای اجتماع و نه بر پایه حداکثر نمودن سود سهام داران انجام می پذیرد و منابع به سوی نیازهای واقعی جامعه سوق داده می شود. بعلاوه سیاستهای پولی و اعتباری بانک مرکزی ایران باید با توجه به اهداف اقتصادی دولت از قبیل افزایش اشتغال و تولید داخلی، توزیع متناسب درآمد و ثروت، کاهش وابستگی های اقتصادی به خارج اتخاذ و پیاده گردد. بدین ترتیب خط مشی کلی سیاستهای پولی و اعتباری جذب مازاد نقدینگی اقتصاد و تخصیص مطلوب آن به سرمایه گذاری در رشته های تولیدی می باشد.

بنابراین با توجه به اصول اقتصاد اسلامی و هدفهای فوق شورای پول و اعتبار در سیصد و نود و دومین جلسه مورخ سوم دیماه ۱۳۵۸ سیاست حذف بهره

از سیستم بانکی را تصویب نموده و سیستم جدیدی بشرح زیر از اول سال ۱۳۵۸ به مورد اجراء گذاشته شد :

۱- حداقل سود تضمین شده برای سپرده ها

در این سیستم بانکها در جذب سپرده های غیر دیداری اختیار پرداخت حداقل ۷ درصد سود تضمین شده برای سپرده های پس انداز ^{حداقل} ۸/۵۰ درصد سود تضمین شده برای سپرده های مدت دار را در سال دارند. ضمناً در صورتیکه بانکها سود اضافی داشته باشند، از اول سال ۱۳۵۸ به صاحبان سپرده های غیر دیداری علاوه بر حداقل سود تضمین شده نسبت به میزان سپرده ها در پایان هر سال سود اضافی نیز پرداخت خواهد گردید. بدین ترتیب در این نظام جدید سود پرداختی به سپرده گذاران ثابت نیست و با تغییر در اوضاع و شرایط اقتصادی تغییر می نماید.

۲- کارمزد و حداقل سود تضمین شده برای وامها و سایر تسهیلات اعتباری :

با توجه باینکه از اول سال ۱۳۵۸ احتساب و دریافت بهره از انواع اعتبارات و وامها حذف گردید برای جبران هزینه های بانکها کارمزد و سهم سود تضمین شده بر حسب انواع فعالیتهای اقتصادی به شرح زیر دریافت خواهد شد :

الف - وامهای مسکن انفرادی و مجتمع های مسکونی ؛

به وامهای مسکن انفرادی اعم از خرید واحداث با توجه به برنامه های رفاهی دولت در مورد تامین مسکن برای گروه های کم درآمدی که فاقد مسکن می باشند، فقط چهار درصد کارمزد در سال تعلق خواهد گرفت. در مورد وامهای اعطائی برای مجتمع های مسکونی چند واحدی که به عنوان سرمایه گذاری پرداخت شده است، موضوع وام متفاوت بوده و بعنوان یک طرح سرمایه گذاری تلقی و حداقل سودی باید تضمین گردد که بانکها آنها را در چارچوب سیاستهای وزارت مسکن و شهرسازی تعیین و دریافت خواهند کرد.

ب - وامها و اعتبارات اعطائی به بخش کشاورزی

بمنظور احیاء بخش کشاورزی در اقتصاد ایران و رسیدن به مرحله خود کفائی در این رشته به مانده وامهای کشاورزی ۴ درصد کارمزد در سال تعلق می گیرد . البته با توجه به سیاست کشاورزی دولت در مورد بعضی از طرحها قسمتی از هزینه کارمزد توسط دولت پرداخت خواهد شد . ضمناً برای برخی از طرحهای کشاورزی، بانکها در چارچوب سیاست وزارت کشاورزی و عمران روستائی حداقل سود تضمین شده را محاسبه و بعنوان حق مشارکت در سرمایه گذاری دریافت خواهند کرد .

پ - وامها و اعتبارات اعطائی به بخش صنعت و معدن

به مانده وامهای تولیدی صنعتی و معدنی ۴ درصد در سال کارمزد تعلق می گیرد و برای برخی از طرح های صنعتی و معدنی، بانکها در چارچوب سیاستهای وزارت صنایع و معادن حداقل سود تضمین شده را محاسبه و بعنوان حق مشارکت در سرمایه گذاری دریافت خواهند کرد .

ت - وامها و اعتبارات بازرگانی و سایر خدمات ضروری

نرخ کارمزد کلیه وامها و اعتبارات برای امور مربوط به بازرگانی و سایر خدمات ضروری ۴ درصد در سال است و در این بخش چون سود ناشی از عملیات بازرگانی بسیار بالاست و از طرفی تنوع رشته هادراین مورد زیاد می باشد لذا تصمیم براین گرفته شد که حداقل سود تضمین شده ۶ الی ۸ درصد به تشخیص بانکها باشد . بدیهی است از کلیه بازرگانان و اشخاصی که در سایر خدمات فعالیت می کنند ، انتظار می رود در صورتیکه سود بیشتری علاوه بر سود برآورده شده اولیه تحصیل کنند سهم بانکها را نیز پرداخت نمایند .

فصل یازدهم

فعالیت‌های بورس اوراق بهادار تهران

رکودی که از نیمه دوم سال ۱۳۵۷ همزمان با اوج گیری و پیروزی انقلاب بر فعالیت‌های بازار بورس تهران حکمفرما شد، در سال ۱۳۵۸ با تصمیم دولت مبنی بر ملی کردن بانکها و تعدادی از شرکتهای تولیدی شدت گرفت بطوریکه در این سال معاملات بر روی سهام بسیار ناچیز گردید و معاملات بر روی اوراق قرضه بشدت کاهش یافت .

در این دوره جمع معاملات بورس تهران ۱۰۷/۱، ۴ میلیون ریال بود که نسبت به رقم مشابه سال قبل ۸۸ درصد کاهش داشت . از این رقم تنها ۳۱/۲ میلیون ریال مربوط به معاملات سهام و ۴،۰۷۵/۹ میلیون ریال بقیه مربوط به اوراق قرضه دولتی و گسترش مانکیت صنعتی بود . دو رقم اخیر نسبت به ارقام دوره مشابه سال قبل به ترتیب ۹۹/۹ درصد و ۶۲/۳ درصد کاهش داشتند .

معاملات بورس اوراق بهادار تهران

(مبلغ به میلیون ریال)

مبلغ:	سهام	اوراق قرضه	جمع
۱۳۵۶	۱۹۰۴۸۷/۹	۲۴۰۹۲۹/۳	۴۴۰۴۱۷/۲
۱۳۵۷	۲۳۰۳۸۰/۵	۱۰۰۸۲۴/۷	۳۴۰۲۰۵/۲
۱۳۵۸	۳۱/۲	۴۰۰۷۵/۹	۴۰۱۰۷/۱
سهام:			
۱۳۵۶	۴۳/۹	۵۶/۱	۱۰۰/۰
۱۳۵۷	۶۸/۴	۳۱/۶	۱۰۰/۰
۱۳۵۸	۰/۸	۹۹/۲	۱۰۰/۰
درصد تغییر:			
۱۳۵۸	-۹۹/۹	-۶۲/۳	-۸۸/۰

۱- بازار سهام

در سال مورد گزارش معاملات بر روی سهام بانکها برابر ۲ میلیون ریال گردید که در مقابل رقم ۶/۹۹۰/۱۴ میلیون ریال مربوط به سال ۱۳۵۷، ناچیز بود. صدمات مالی که در طول انقلاب بر اثر آشفتگیهای وضع اقتصادی، فرار سرمایه ها و عدم انجام تعهدات افراد، بر بانکها وارد آمد، همراه با زمزمه ملی شدن بانکها پس از پیروزی انقلاب و بالاخره ملی شدن آنها در خرداد ماه سال ۱۳۵۸ بازار معاملات سهام بانکها را به رکود کشانید.

معاملات سهام شرکتهای تولیدی نیز در این دوره مانند سهام بانکها دچار رکود بود به این ترتیب که میزان معاملات سهام نسبت به دوره مشابه سال ما قبل ۹۹/۷ درصد کاهش یافت و به ۲۹/۲ میلیون ریال محدود شد. این کاهش از یک طرف ناشی از خارج شدن قسمتی از داراییهای شرکتهای تولیدی

توسط سهامداران عمده و فرار آنان از مملکت بود که شرکتها را در وضع مالی وخیمی قرار داد و از طرف دیگر، ناشی از پایین آمدن تولید و ملی شدن تد ریحی شرکتها و بالنتیجه مبهم بودن وضع آینده آنها بود .

معاملات سهام

(مبلغ به سیاهون ریال)			
بانهها	شرکتهای تولیدی	جمع	مبلغ:
۱۲،۸۹۰/۹	۶،۵۹۷/۰	۱۹،۴۸۷/۹	۱۳۵۶
۱۴،۹۹۰/۶	۸،۳۸۹/۹	۲۳،۳۸۰/۵	۱۳۵۷
۲/۰	۲۹/۲	۳۱/۲	۱۳۵۸
سهم:			
۶۶/۱	۳۳/۹	۱۰۰/۰	۱۳۵۶
۶۴/۱	۳۵/۹	۱۰۰/۰	۱۳۵۷
۶/۴	۹۳/۶	۱۰۰/۰	۱۳۵۸
درصد تغییر:			
-۱۰۰/۰	-۹۹/۷	-۹۹/۹	۱۳۵۸

از آغاز ملی شدن بانهها و واحدهای تولیدی و کنترل آنها توسط دولت . مساله چگونگی بازپرداخت بهای سهام سرمایه گذاران نیز مطرح گردید . به این ترتیب که سرمایه گذاران به سه گروه خارجی ، بزرگ داخلی و کوچک داخلی تقسیم شدند و در ارتباط با گروه اخیر دولت تاکید بر پرداخت

بخشی از هزینه های سرمایه گذاران داشت . در عمل ، تا پایان سال دولت نتوانست به راه حل قابل قبولی دست یابد .

۲- بازار اوراق قرضه

معاملات اوراق قرضه در این دوره جمعاً " بحدود ۴۰۷۶ میلیون ریال رسید که از این مبلغ متجاوز از ۱۰۶۲۲ میلیون ریال مربوط به اوراق قرضه دولتی و در حدود ۲۰۴۵۴ میلیون ریال بقیه مربوط به اوراق قرضه گسترش مالکیت صنعتی بود . این دو رقم نسبت به ارقام مشابه سال ۱۳۵۷ به ترتیب ۵۸/۴ درصد و ۶۴/۶ درصد کمتر بودند . این کاهش در شرایطی رخ داد که متوسط موزون بازده اوراق قرضه گسترش مالکیت صنعتی و اوراق قرضه دولتی کوتاه مدت و میان مدت تا سه سال بسر رسید در سطحی بالاتر از ارقام مشابه سال ماقبل قرار داشت . مضافاً اینکه در سال ۱۳۵۸ نرخ بهره سپرده های مدت دار و پس انداز کاهش یافت و به این ترتیب انتظار میرفت که سپرده گذاران از خرید اوراق قرضه ، بیشتر استقبال کنند ، اما با در نظر گرفتن اهمیت نقدینگی در انتخاب نوع پس انداز در شرایط موجود اقتصاد و آناهی اندک عمومی در مورد اوراق قرضه و بازار دست دوم آن و همچنین فراهم نبودن تسهیلات لازم برای معامله بر اوراق قرضه ، استقبال چندانی از این بازار بعمل نیامد .

معاملات اوراق قرضه

(مبلغ به میلیون ریال)

جمع	اوراق قرضه کسترش	اوراق قرضه دولتی	مبلغ:
۲۴۰۹۲۹/۳	۱۹۰۵۴۷/۲	۵۳۸۲/۱	۱۳۵۶
۱۰۰۸۲۴/۷	۶۰۹۲۲/۰	۳۰۹۰۲/۷	۱۳۵۷
۴۰۰۷۵/۹	۲۰۴۵۳/۷	۱۰۶۲۲/۲	۱۳۵۸
			سهم:
۱۰۰/۰	۷۸/۴	۲۱/۶	۱۳۵۶
۱۰۰/۰	۶۳/۹	۳۶/۱	۱۳۵۷
۱۰۰/۰	۶۰/۲	۳۹/۸	۱۳۵۸
			درصد تغییر:
-۶۲/۳	-۶۴/۶	-۵۸/۴	۱۳۵۸

متوسط موزون بازده اوراق قرضه

(درصد)				
مدت به سررسید	۱۳۵۸		۱۳۵۷	
	اوراق قرضه کسترس	اوراق قرضه دولتی	اوراق قرضه کسترس	اوراق قرضه دولتی
سه ماه	۱۱/۳۴	۹/۲۱	۱۱/۲۵	۸/۷۱
شش ماه	۱۱/۱۷	۱۰/۱۲	۱۱/۱۶	۹/۱۵
یکسال	۱۱/۳۰	۱۰/۲۰	۱۱/۰۳	۹/۴۵
دو سال	۱۱/۸۴	۱۰/۶۴	۱۱/۱۸	۱۰/۰۳
سه سال	۱۱/۹۱	۱۰/۴۴	۱۱/۴۰	۱۰/۰۹
چهار سال	۱۱/۹۸	۱۰/۸۷	۱۱/۵۹	۱۰/۹۱
پنج سال	۱۱/۹۰	۱۱/۰۱	۱۰/۷۲	۱۱/۱۳
شش سال	—	۱۱/۵۴	—	۱۱/۷۳
هفت سال	—	۱۱/۹۷	—	۱۱/۹۱

فصل دوازدهم

سیر قیمت ها

در سال ۱۳۵۸، تورم یکی از مشکلات اساسی دولت بود. افزایش قیمت ها به دلائل بسیاری بروز نمود. از جمله این دلائل می توان به محدودیت ورود برخی از مواد مورد نیاز بخشهای مختلف کشور، روشن نبودن سیاست اقتصادی دولت و باننتیجه، عدم تمایل بخش خصوصی به سرمایه گذاری جدید، عدم اعتماد و ارد کنندگان به وضع بازار، نابسامانیهای ناشی از روشن نبودن سیستم مدیریتی، وجود انحصارات در تولید و توزیع و نارسائیهای موجود در سیستم توزیع کالاها را نام برد که کلیه عوامل فوق منجر به عدم تعادل بیشترین عرضه و تقاضای کل گردید. از سوی دیگر افزایش حجم پول در سال گذشته نیز بر فشارهای تورمی دامن زد. لازم به تذکر است که در سال ۱۳۵۸، حجم پول حدود ۳۵ درصد افزایش یافت. در حالت عادی این افزایش خود به تنهایی سبب انبساط اقتصاد و به دنبال آن تورم می توانست باشد، لیکن کاهش سرعت گردش پول، که خود معلول شرایط خاص اقتصادی و سیاسی کشور بود باعث شد که افزایش حجم پول آثار تورمی خود را آنچنان که باید

ظاهر نسازد . بالاخره افزایش پرداختهای دولت در سال مورد بحث به میزان ۱۲/۲ درصد آثار انبساطی روشنی را در اقتصاد برجای گذاشت . بررسی شاخصهای قیمت برای کالاهای گوناگون نتایج چندی را به دست می دهد . شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که در سال ۱۳۵۷ معادل ۱۰ درصد افزایش یافته بود ، در سال مورد گزارش از رشدی معادل ۱۱/۴ درصد برخوردار گردید . طی همین دوره ، شاخص بهای عمده فروشی کالاها به طور متوسط ۱۹/۸ درصد ترقی داشت در حالیکه در سال ۱۳۵۷ رشد همین شاخص به ۹/۵ درصد بالغ گردیده بود .

تغییرات متوسط شاخصهای قیمت

(درصد)			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۱۱/۴	۱۰/۰	۲۵/۱	شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی
۱۹/۸	۹/۵	۱۴/۶	شاخص بهای عمده فروشی کالاها

۱ - شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی که در آذرماه به اوج رشد ماهانه خود (به میزان ۳/۶ درصد) رسید ، در پایان اسفند از رشد سالانه ای - برابر با ۱۵/۸ درصد برخوردار گردید .

تغییرات ماهانه شاخص بهای کالاها و خدمات

مصرفی (تعدیل شده)

(درصد)

	۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
فروردین	۰/۹	۰/۲	۲/۳	
اردیبهشت	۰/۱	-۰/۴	۲/۵	
خرداد	۱/۱	۰/۲	۱/۷	
تیر	-۱/۶	۰/۵	۲/۶	
امرداد	۱/۹	۱/۲	۱/۵	
شهریور	-۰/۱	۱/۱	۱/۵	
مهر	۰/۱	۱/۱	۰/۷	
آبان	۱/۵	۱/۴	۰/۶	
آذر	۳/۶	۲/۰	۰/۴	
دی	۲/۷	۱/۰	-۰/۲	
بهمن	۳/۴	۰/۸	۱/۷	
اسفند	۱/۳	۰/۷	۱/۱	

در میان گروههای عمده تشکیل دهنده شاخص بهای کالاها و خدمات

مصرفی شاخص خوراک مهمترین عامل افزایش شاخص بهای کالاها و خدمات

مصرفی بود . باید توجه داشت که بعلت کمی کشش تقاضا برای مواد غذایی اثرافزایشی قیمت‌ها به میزان گسترده تری بر بودجه غذایی خانوارها نشان داده شده است . ترقی قیمت گروه خوراک به میزان $۲۲/۲$ درصد در مقابل $۱۸/۱$ درصد افزایش برای سال ۱۳۵۷ بود . با در نظر گرفتن این نکته که اهمیت نسبی شاخص خوراک در سبد هزینه زندگی $۳۵/۴۸$ درصد است ، از $۱۱/۴$ درصد افزایش شاخص کل قسمت اعظم آن یعنی $۷/۶$ درصد مربوط به افزایش قیمت گروه خوراک می گردد . باقیمانده این افزایش ، یعنی $۳/۸$ درصد مربوط به مواد غیر خوراکی بوده است . افزایش سریع قیمت مواد غذایی علیرغم ادامه کمکیهای دولت در مورد برخی از کالاهای غذایی اساسی نظیر گندم ، گوشت روغن نباتی ، قند و شکر و غیره پدیدار گردیده است . رشد ماهانه شاخص خوراک در دی ماه با $۵/۵$ درصد افزایش ، به حداکثر میزان خود رسید . در اسفند ماه ترقی سالانه شاخص خوراک برابر با $۲۹/۵$ درصد بود .

در میان اجزاء تشکیل دهنده گروه خوراک بهای میوه ها و سبزیهای تازه و گوشت ، مرغ و ماهی از افزایش سریعتری برخوردار بودند و نسبت به سال ماقبل خود به ترتیب $۲۸/۱$ درصد و $۲۶/۱$ درصد افزایش نشان دادند . دیگر اجزاء گروه خوراک نان و برنج و لبنیات و تخم مرغ به ترتیب با $۱۸/۹$ درصد و $۱۸/۱۰$ درصد افزایش روبرو شدند .

شاخص مسکن که در چند سال گذشته مهمترین عامل افزایش شاخص هزینه زندگی بود در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ بصورت عامل بازدارنده افزایش قیمت‌ها

عمل کرد و به علت اهمیت نسبی ۲۱/۱۴ درصد هزینه های مسکن در کل هزینه های خانوار، کاهش هزینه مسکن نقش قابل ملاحظه ای در تعدیل شاخص هزینه زندگی بازی نمود. کاهش متوسط سالانه این شاخص برابر با ۵/۵ درصد بود. در طول سال شاخص مسکن حساسیت فراوانی نسبت به تغییرات سیاست دولت در مورد حل مشکل مسکن نشان داد. حداکثر کاهش ماهانه این شاخص در تیرماه به میزان ۸/۴ درصد بود. تنزل بهای زمین به میزان حدود ۳۱ درصد و افزایش مصالح ساختمانی غیر فلزی به میزان ۱/۷ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل نیز موجب گردید که شاخص هزینه های مالک ۸/۸ درصد کاهش یابد، در حالیکه در همین دوره افزایش کرایه خانه مسکونی ۱۱/۴ درصد بود.

شاخص اثاثه خانه در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ بارشده معادل ۵/۰ درصد آغاز گردید و به تدریج رشد آن سیر صعودی بخود گرفت بطوریکه در اسفند ماه سال مذکور رشد شاخص فوق به ۲۲/۶ درصد رسید به این ترتیب رشد متوسط شاخص اثاثه خانه در سال ۱۳۵۸ برابر با ۹/۳ درصد عینی ۹/۴ درصد بیشتر از رشد متوسط سال ۱۳۵۷ بود. رشد شاخص پوشاک که در فروردین ماه سال ۱۳۵۸ نسبت به ماه مشابه سال، ماقبل ۹/۴ درصد را نشان میداد در طول سال به تدریج بر شدت رشد آن افزود مشد بطوریکه در اسفند ماه سال مذکور رشد شاخص فوق نسبت به ماه مشابه سال قبل حدود ۲۳ درصد افزایش نشان داد و به این ترتیب رشد متوسط شاخص پوشاک معادل ۱۴/۴ درصد گردید. رقم مشابه برای سال ۱۳۵۷

برابر ۱۱/۵ درصد بود . شاخص پوشاک در مهرماه سال مورد بحث با ۲/۸ درصد رشد ماهانه تعدیل شده به اوج افزایش خود رسید . در میان عواملی که در ترقی این شاخص موثر بوده اند . افزایش شدید بهای منسوجات نخی و ابریشمی را می توان نام برد .

رشد متوسط سالانه گروههای عمده شاخص

بهای کالاها و خدمات مصرفی

(درصد)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۲۲/۲	۱۸/۱	۲۰/۶	خوراک
-۵/۵	-۰/۴	۳۷/۸	مسکن
۱۴/۴	۱۱/۵	۲۱/۱	پوشاک
۹/۳	۴/۴	۱۵/۰	اثاثیه خانه
۹/۵	۸/۹	۳۱/۹	حمل و نقل و ارتباطات
۹/۷	۱۵/۶	۲۰/۱	درمان و بهداشت
۱۳/۷	۱۱/۸	۸/۳	تفریح ، تحصیل و مطالعه
۲۱/۱	۱۸/۲	۱۵/۶	سایر

۲ - شاخص بهای عمده فروشی کالاها

شاخص بهای عمده فروشی کالاها که از آغاز سال سیر صعودی به خود گرفته بود، در طول سال همچنان روندی فزاینده داشت. سرعت افزایش این شاخص در دی ماه به $4/4$ درصد رسید که حداکثر رشد تعدیل شده^۴ ماهانه در طی سال بود. در اسفند ماه سال مورد بحث، رشد شاخص بهای عمده فروشی نسبت به اسفند سال ماقبل برابر با $33/6$ درصد بود. یکی از عوامل مهم در افزایش قیمت‌های عمده فروشی در سال مورد بحث را می‌توان نارسائی سیستم تولیدی در داخل اقتصاد دانست از این رو افزایش تولیدات و تخصیص صحیح اعتبارات میان بخشهای مختلف اقتصادی باید در سرلوحه برنامه های اقتصادی دولت قرارگیرد.

مهمترین جزء تشکیل دهنده^۴ شاخص بهای عمده فروشی کالاها یعنی شاخص بهای کالا های تولید و مصرف شده در کشور که دارای اهمیت نسبی $67/91$ می باشد موثرترین عامل در ترقی شاخص کل گردید، به این معنی که $20/1$ درصد نسبت به دوره مشابه سال قبل افزایش یافت. رشد شاخص فوق در دوره مشابه سال قبل معادل $8/9$ درصد بود. ترقی این شاخص در دی ماه به حداکثر یعنی معادل $5/1$ درصد رسید. افزایش قابل ملاحظه^۴ این بخش از شاخص بیان کننده^۴ عدم تعادل بنیادی در شبکه^۴ تولیدی کشور می باشد.

تغییرات ماهانه شاخص بهای عمده فروشی کالاها (تعدیل شده)

درصد (			
۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۳/۱	-۰/۴	-۰/۵	فروردین
۰/۵	-۰/۳	۱/۲	اردیبهشت
-۰/۱	-۰/۱	۱/۱	خرداد
۴/۰	۰/۱	۰/۹	تیر
۲/۷	۰/۵	۱/۱	امرداد
۰/۸	۰/۸	۰/۵	شهریور
۲/۸	۱/۴	۰/۴	مهر
۲/۰	۱/۷	۱/۰	آبان
۴/۲	۱/۸	۰/۱	آذر
۴/۴	۰/۴	۰/۹	دی
۳/۰	-۰/۱	۱/۹	بهمن
۱/۹	۰/۳	۳/۰	اسفند

شاخص بهای عمده فروشی کالاها و وارداتی در داخل کشور که از اهمیت نسبی ۲۹/۰ درصد برخوردار است. نیز با ۱۸/۴ درصد افزایش (در مقابل ۱۱/۸ درصد رشد در سال ۱۳۵۷) سهم بسزائی در بالا بردن شاخص کل بهای عمده فروشی داشت. بالاخره شاخص بهای عمده فروشی کالاها و صادراتی در داخل کشور که کمترین سهم یعنی ۳/۰۹ درصد را در شاخص بهای عمده فروشی کالاها به خود اختصاص داده است از افزایشی

معادل ۲۴/۶ درصد برخوردار گردید . رقم مشابه برای سال ۱۳۵۷ برابر با ۳/۸ درصد بود .

رشد متوسط سالانه گروههای عمده

شاخص بهای عمده فروشی کالاها

(درصد)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
			کالا های تولید و مصرف شده
۲۰/۱	۸/۹	۱۵/۶	در داخل کشور
۱۸/۴	۱۱/۸	۱۲/۱	کالا های وارداتی
۲۴/۶	۳/۸	۱۲/۲	کالا های صادراتی

در میان اقلام تشکیل دهنده سبد شاخص بهای عمده فروشی کالاها ،

مواد خوراکی و حیوانات زنده با اهمیت نسبی ۳۷/۶۳ درصد و منسوجات

و پوشاک با اهمیت نسبی ۱۰/۸۶ درصد از بالاترین میزان رشد متوسط (یعنی

به ترتیب ۲۹/۰ درصد و ۲۲/۶ درصد) برخوردار بودند . از این نظر شاخص

عمده فروشی بهای کالاها و شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی شباهت کامل

از خود نشان دادند .

رشد متوسط سالانه اقلام عمده

شاخص بهای عمده فروشی کالاها

(درصد)

۱۳۵۸	۱۳۵۷	۱۳۵۶	
۲۹/۰	۱۳/۷	۱۵/۴	مواد خوراکی و حیوانات زنده
۲۲/۶	۴/۲	۱۲/۴	منسوجات و پوشاک
۱۷/۲	۱۴/۹	۱۰/۴	مواد خام صنعتی
۵/۲	۳/۱	۲۵/۵	مصارف ساختمانی
۹/۷	۱۰/۴	۱۶/۴	مصارف ساختمانی فلزی
۱/۷	-۱/۸	۳۲/۲	مصارف ساختمانی غیرفلزی
			ماشین آلات و وسایل حمل
۱۰/۸	۹/۰	۱۱/۷	و نقل
۱۶/۳	۸/۳	۹/۵	سایر

خلاصه ای از وضع اقتصادی جهان در سال ۱۹۷۹

مقدمه :

مسائلی از قبیل تورم فزاینده، کسری تراز پرداختها، سرعت رشد اقتصادی و نوسانات شدید نرخ ارزها هنوز مسائلی هستند که اقتصاد جهانی با آنها روبرو است. علاوه بر این در سال مورد گزارش، افزایش مرحله قیمت های نفت در نیمه ای اقتصادی جهان را تحت تاثیر قرار داد. به نظر صاحب نظران اقتصادی غربی نتایج افزایش قیمت نفت عبارت است از: افزایش در کسری حساب جاری؛ تشدید بیش از پیش تورم و کاهش رشد اقتصادی کشورهای وارد کننده نفت. لکن نمیتوان گفت که کاهش رشد اقتصادی کشورها و وجود تورم در جهان جملگی ناشی از افزایش قیمت نفت است زیرا در اواسط سال ۱۹۷۸ و قبل از افزایش قیمت ها توسط اوپک میزان تورم در آمریکا و اروپای غربی روبه شدت بود و در نیمه دوم همین سال کشورهای صنعتی که چهارمین سال رونق اقتصادی را میگذراندند، بمنظور جلوگیری از رونق فزاینده قیمت ها تصمیم به کاهش فعالیتهای اقتصادی گرفتند، که این را میتوان سرآغاز رکود فعلی در کشورهای صنعتی از یکطرف و جهان از طرف دیگر نامید. بطور کلی سال ۱۹۷۹ را میتوان سال مبارزه اقتصادی کتیه کشورهای جهان بخصوص جهان غرب بر علیه تورم دانست و نگرانی بیشتر مقامات اقتصادی نسبت به تورم است و میزان رشد اقتصادی در مرحله دوم اهمیت قرار دارد. علاوه بر مشکلات فوقی بحریان انداختن وجوه نفتی از مشکلاتی میباشد که اقتصاد بین المللی با آن روبرو است افزایش چشمگیر مازاد وجوه نفتی اوپک در طول سال مورد گزارش و احتمال افزایش این مازاد به ۱۰۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (جدول شماره ۱)، همانند افزایش بی سابقه این مازاد در سال ۱۹۷۴ مسایلی را در بحریان انداختن این وجوه

بوجود می‌آورد با این تفاوت که در زمان حال به جریان انداختن این وجوه کار بسیار حساس‌تری خواهد بود، زیرا اولاً "کشورهای تولید کننده نفت نسبت به واردات از غرب بی‌نیاز تر از سابق هستند، ثانیاً" در شرایط کنونی عرضه و تقاضای نفت در بازار، احتمال افزایش بی‌گیری قیمت نفت بسیار زیاد است، ثالثاً "بسیاری از کشورهای استقراض کننده در حال توسعه دارای قروض بیشتری در مقایسه با سال ۱۹۷۴ هستند و مسئله‌ای که جداگانه اقتصاد جهان را متوجه خود نموده مسئله افزایش کسری در کشورهای در حال توسعه غیر نفتی است. اینها مشکلاتی اقتصادی است که گریبانگیر اقتصاد جهانی است و دورنمای آینده را مبهم تر می‌سازد. از نقطه نظر سیاسی نیز جهان غرب با مشکل مبارزات حق طلبانه مردم جهان سوم روبرو است، که خواه ناخواه در پی هم ریختگی اقتصادی جهان غرب اثر مضاعف باقی می‌گذارد.

جدول شماره (۱)

ارقام به میلیارد دلار) ————— تراز حساب جاری حساب پرداختها بر حسب منطقه ۱۹۷۲-۱۹۸۰

	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰*
کشورهای OECD	۸/-	۱۰	-۲۷	-۰/۵	-۱۸	-۲۵	۹	-۳۰	-۶۰
کشورهای آسیا	۱/۵	۷/۵	۵۹/۵	۲۷	۳۶/۵	۲۹/-	۷	۶۵	۱۰۰
کشورهای در حال توسعه غیر نفتی	-۵	-۶	-۲۳/۵	-۳۷/۵	-۲۵/۵	-۲۴	-۳۶	-۴۷	-۸۰

باخذ :: نشریه سازمان توسعه همکاری های اقتصادی

* رقم تخمینی است.

رشد حجم تجارت بین المللی در سال مورد گزارش به ۷ درصد رسید و در مقایسه با رشد سال ۱۹۷۸ (۶ درصد) در سطح بالاتری قرار داشت . اگر رکود اقتصادی آمریکا در سال ۱۹۸۰ چندان شدید نباشد و به سایر کشورهای جهان سرایت نکند، احتمال می‌رود رشد تجارت بین المللی کاهش زیادی نداشته باشد ولی مسلماً کمتر از ۷ درصد سال مورد گزارش خواهد بود . ارزش تجارت جهانی در سال مورد گزارش به ۱۶۰۰ میلیارد دلار بالغ گردید که نسبت به ارزش دلاری تجارت جهانی در سال ۱۹۷۸ بیش از ۲۵ درصد افزایش نشان می‌دهد (رقم رشد مزبور در سال ۱۹۷۸ نسبت به ۱۹۷۷ فقط ۱۶ درصد بود) . رشد تولیدات صنعتی جهان نیز در سال ۱۹۷۹ حدود ۳ درصد بود در صورتیکه در سال ۱۹۷۸ رشد ۴ درصد را نشان می‌داد . رشد تولید مواد غذایی در سطح بین المللی که در سال ۱۹۷۸ به حدود ۳ درصد رسیده بود ، در سال گذشته کاهش یافت که این کاهش برای اولین بار از سال ۱۹۷۲ تاکنون بی سابقه بوده است .

۱- وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی غرب

در بررسی اوضاع اقتصادی سال ۱۹۷۹ در کشورهای صنعتی غرب (۱) شامل کمیته کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی (OECD) (۱) روند تغییرات چهار مشخصه اصلی اقتصاد یعنی رشد اقتصادی ، روند قیمتها ، تجارت خارجی و وضعیت حساب پرداختها و بالاخره نرخ بیکاری بررسی خواهد گردید . در این بررسی رویدادهای مهم اقتصادی در سطح بین المللی از قبیل افزایش قیمتهای نفت ، رونق چشمگیر افزایش قیمت طلا و فلزات گرانبها و چگونگی روند و تاثیرات سیاست پولی و مالی اتخاذ شده توسط کشورهای صنعتی مورد توجه خاص قرار میگیرد .

(۱) کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی متشکل از ۲۴ کشور صنعتی و توسعه یافته جهان .

در ابتدای سال ۱۹۷۹ رشد اقتصادی کشورهای منطقه OECD بطئی بود، لکن در طول سال همراه با متعادل تر شدن سطح تقاضا میان کشورها، متوسط افزایش رشد اقتصادی این کشورها به $3/2$ درصد رسید. رقم مشابه برای سال ۱۹۷۸ نزدیک به 4 درصد بود. اقتصاد امریکا علیرغم انتظار بیشتر محافل اقتصادی جهان، در سال ۱۹۷۹ (حتی در سه ماهه چهارم) مواجه با رکود نشد، لکن رشد اقتصادی امریکا در این سال نسبت به سال ۱۹۷۸ روندی نزولی داشت.

انگلستان بیشترین کاهش رشد اقتصادی را در طول این سال نسبت به سال ۱۹۷۸ داشته است. رشد اقتصادی در این کشور از $3/3$ درصد در سال ۱۹۷۸ به $0/5$ درصد در سال ۱۹۷۹ کاهش یافت. تنها کشورهای ژاپن، آلمان غربی، ایتالیا در سال ۱۹۷۹ با رشد اقتصادی بیش از سال ۱۹۷۸ مواجه بودند. همچنین کشورهای کوچکتر OECD در سال ۱۹۷۹ دارای رشد اقتصادی بالاتری نسبت به سال ۱۹۷۸ بودند.

رشد تولیدات صنعتی در کشورهای عمده صنعتی غرب، از آنجا که در ارتباط مستقیم و متقابل با رشد اقتصادی در این کشورها میباشد، قابل ملاحظه نبود. تولیدات صنعتی در امریکا در طول سال ۷۹ کمتر از $1/2$ درصد رشد داشت. تولیدات صنعتی در کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۷۹ از رونق بیشتری نسبت به ۱۹۷۸ برخوردار بود، رشد این تولیدات از $2/4$ درصد در سال ۱۹۷۸ به 4 درصد در سال ۱۹۷۹ رسید (جدول شماره ۲). از جمله کشورهایی نظیر فرانسه و ایتالیا نسبت به سال گذشته دارای رشد بالاتری در تولیدات صنعتی خود بودند. کاهش در تولیدات صنعتی که بدنبال کاهش در سرمایه گذاری در این کشورها پدید آمده است باعث کاهش در اعتماد عمومی ناشی از جو بحرانی موجود در اقتصاد این کشورها افزایش در نرخهای بهره و افزایش در سطح دستمزدها است که این عوامل میزان سوددهی در صنعت را کاهش

جدول شماره (۲)

رشد تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت در کشورهای صنعتی

(درصد)

	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	
کانادا	۲/۷	۳/۵	۲/۷	۵/۵	۱/۳	
امریکا	۲/-	۴/۴	۴/۹	۶/-	-۱/۳	
ژاپن	۶/-	۵/۶	۵/۳	۶/-	۲/۵	
فرانسه *	۳/-	۲/۳	۳/-	۵/۲	۰/۱	
آلمان	۴/۴	۳/۵	۲/۴	۵/۷	-۲/۵	
ایتالیا *	۴/۰	۲/۶	۱/۷	۵/۷	-۳/۵	
انگلین *	۰/۵	۳/۳	۰/۸	۲/۴	-۱/۵	
کل کشورهای فوق	۳/۲	۴/۲	۲/۹	۵/۵	-۱/۱	
سایر کشورهای OECD	۳/-	۲/۳	۱/۹	۳/۲	-۰/۵	
کل کشورهای OECD	۳/۲	۳/۹	۳/۷	۵/۴	-۱/۰	

تولیدات صنعتی :

هفت کشور صنعتی	۴/۷	۴/۶	۴/۰	۹/۱	-۸/۶	
کل کشورهای OECD	۴/۷	۴/۱	۳/۵	۸/۴	-۸/۲	
کشورهای EEC	۴/-	۲/۴	—	—	—	

* ارقام مزبور رشد GDP را به قیمت ثابت نشان می دهد .

مأخذ : OECD و نشریه BIS

دارد است .

در سال ۱۹۷۹ ، روند افزایشی قیمتها مهمترین مسئله قابل توجه در اقتصاد ایندسته از کشورها بود . بدین ترتیب که در اکثر کشورهای OECD بدون در نظر گرفتن روند نزولی فعالیتهای اقتصادی نسبت به سال ۱۹۷۸ ، به مبارزه با تورم در سطحی بسیار گسترده اقدام نمودند . همچنین کلیه پیشبینی های موجود برای سال ۱۹۸۰ نیز علیرغم احتمال پدید آمدن رکود اقتصادی در انگلیس و آمریکا و کاهش رشد اقتصادی در سایر کشورهای صنعتی ، افزایش قیمت ها در سال ۱۹۸۰ را برای این کشورها بسیار محتمل میدانند . رویه مرفته عواملی که موجب تشدید روند افزایشی قیمتها بوده است عبارتند از :

۱- آنچه که محافل اقتصادی غرب انتظار دارند ، افزایش متناوب و مرحلهای قیمتهای نفت است و معتقدند که چون افزایش قیمت مانند سال ۱۹۷۳ فقط در یک مرحله انجام نمیگیرد لذا عامل فوق میتواند بخودی خود عامل موثری در افزایش شاخص قیمتها باشد .

۲- عدم تناسب میان افزایش سطح دستمزدها و میزان بهره وری تولید گسترش یافته است (این عامل را میتوان بخصوص در کشورهای آمریکا و انگلستان ملاحظه نمود)

۳- رویه مرفته مصرف بخش خصوصی در کشورهای صنعتی در سال مورد گزارش افزایش یافت . زیرا اولاً " در آمد واقعی در دست مردم در بعضی از کشورهای اروپای غربی (بخاطر کاهش فشارهای مالیاتی و افزایش سطح دستمزدها) افزایش یافت . ثانیاً " افزایش انتظارات تورمی مردم در این کشورها خود موجب افزایش تقاضا گردید .

بطور کلی نرخ تورم در کشورهای عمده صنعتی جهان از ۷/۹ درصد در سال ۱۹۷۸ به رقم ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۹ رسید . بالاترین نرخ تورم در میان هفت کشور عمده صنعتی متعلق به کشورهای ایتالیا (۱۸/۸ درصد) ، انگلیس (۱۷/۲ درصد)

(جدول شماره ۳)

رشد سالانه شاخص قیمت های مصرفی

(درصد)

۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	
۱۳/۳	۷/۷	۶/۵	۵/۷	۹/۲	امریکا
۵/۸	۳/۸	۸/۱	۹/۳	۱۲/-	ژاپن
۱۱/۸	۹/۱	۹/۸	۹/۶	۱۱/۷	فرانسه
۵/۰	۲/۶	۳/۹	۴/۵	۵/۹	آلمان
۱۸/۸	۱۲/۱	۱۷/-	۱۶/۷	۱۷/۲	ایتالیا
۱۷/۲	۸/۳	۱۵/۹	۱۶/۸	۲۴/۲	انگلین
۹/۸	۹/۰	۸/۰	۷/۰	۱۰/۸	کانادا
۱۲/-	۷/۹	۸/۹	۸/۶	۱۱/۹	کل کشورهای صنعتی

مأخذ: سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

و آمریکا (۱۳/۳ درصد) است (جدول شماره ۳). ترکیه، ایسلند و یونان به ترتیب باردارا بودن نرخ تورمی حدود ۷۵ درصد، ۵۴/۹۰ درصد و ۲۲/۸ درصد بالاترین نرخ تورم را بین کشورهای OECD داشته اند.

میزان اشتغال در کشورهای OECD در سال مورد گزارش دارای افزایش نسبتاً کمی بود. این روند در کشورهای آمریکای شمالی و ژاپن بیشتر و در کشورهای کوچکتر اروپای غربی کمتر بود. نرخ بیکاری بجز در کشور ترکیه در سال گذشته برای کشورهای OECD تقریباً بدون تغییر باقی ماند و بطور متوسط ۵/۱ درصد نیروی کار را تشکیل میداد. میزان کارآئی نیروی کار منطقه بطور متوسط در سال گذشته حدود ۱/۵ درصد کاهش یافت. کاهش فوق در آمریکا و کانادا بیشتر و در چهار کشور عمده صنعتی اروپا (انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا) متعادل تر بوده است. از میان کشورهای صنعتی، ژاپن تنها کشوری بود که بهره وری نیروی کار در آن از رشد بیشتری برخوردار بود.

در طول سال مورد گزارش، حسابجاری کل کشورهای صنعتی غرب کسری قابل توجهی را نشان میدهند بطوریکه حسابجاری این کشورها از مازادی برابر با ۹/۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۸ به کسری برابر با ۳۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۹ تغییر یافته است. حتی با فرض عدم افزایش قیمت‌های نفت در سال ۱۹۸۰ پیش‌بینی میشود که این کسری در سال ۱۹۸۰ به دو برابر افزایش یابد. علیرغم تبدیل مازاد در حسابجاری کل کشورهای OECD و تبدیل آن به کسری در سال مورد گزارش، تفاوت فاحشی که بین کشورهای این منطقه بخصوص ۷ کشور عمده صنعتی از نقطه نظر اختلاف زیاد در حسابجاری و حساب بازرگانی آنها وجود داشت نسبت به سال گذشته کاهش یافت و بدین ترتیب مثلاً کشور آمریکا به بهبود چشمگیری در حسابجاری خود دست یافت و بالعکس کشورهای

جدول شماره (۴)

تراز حسابجاری کشورهای صنعتی

(به میلیارد دلار)

۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	
-۵/۲	۸/۸	۴/۲	۳/۴	آلمان
-۲/۵	-۱۲/۹	-۱۴/۱	۴/۶	آمریکا
۱/۵	۳/۹	-۳/۳	-۶/۱	فرانسه
-۵/۶	۲/۰	۰/۵	-۱/۵	انگلستان
-۸/۶	۱۶/۵	۱۰/۹	۳/۷	ژاپن
۶/۲	۶/۴	۲/۵	-۲/۸	ایتالیا
-۶	-۴/۶	-۴/۰	-۳/۹	کانادا
-۳۰	۹/۱	-۲۴/۸	-۱۸/۲	کل کشورهای OECD

OECD ECO. OUT-LOOK

ماخذ :

تغییرات رابطه بازرگانی کشورهای جهان (۱)
(درصد تغییرات نسبت به سال ماقبل)

۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹
کشورهای صنعتی	-۱۱	۲	-۱	-۱	۳	-۳/۵
کشورهای در حال توسعه:						
کشورهای صادرکننده نفت	۱۳۷	-۵	۵	۱	-۱۰/۵	۳۱
کشورهای در حال توسعه						
غیر نفتی	۹	-۸	-۱۲	۳/۵	-۴/۵	-۳/۵

(۱) طبقه بندی کشورها در این جدول عبارتند از: کشورهای صنعتی شامل کانادا، آمریکا، ژاپن، فرانسه، آلمان غربی، ایتالیا و انگلستان

است. کشورهای صادرکننده نفت شامل کشورهای عضو اوپک (۳ کشور) و بالاخره کشورهای در حال توسعه شامل کلیه کشورهای در حال توسعه

آفریقا، آسیا، اروپا، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب و خاورمیانه هستند.

مأخذ: نشریات صندوق بین المللی پول

آلمان و ژاپن با وجود دارا بودن مازاد حسابجاری طی چند سال گذشته در سال ۱۹۷۹ با کمتری در حسابجاری روبرو گردیدند (جدول شماره ۴) .

در سال ۱۹۷۹ به علت افزایش قیمت کالاهای وارداتی به کشورهای صنعتی "رابطه مبادله"

در این کشورها نسبت به سال ۱۹۷۸ کاهش یافت، بطوریکه از ۳ + درصد ^{به بود} در سال ۱۹۷۸

به ۳/۵ - درصد در سال ۱۹۷۹ تغییر یافت . در حالیکه در طول همین مدت رابطه

مبادله کشورهای صادرکننده نفت در سال ۱۹۷۹ نسبت به سال ۱۹۷۸ ۳۱، درصد

به بود داشته است (جدول شماره ۵) .

تحولات اقتصادی در کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه در رابطه با گندی فعالیت های اقتصادی و نرخ فزاینده تورم در کشورهای صنعتی در سالهای گذشته بسختی آسیب دیده اند. مشکلات متعدد خارجی به همراه مسائل مختلف اقتصادی داخلی این سرزمین ها را با کمبود ها و تنگناهای فزاینده اقتصادی مواجه کرده است. سطح تولیدات واقعی بخصوص در مالک نفت افتشاده غیرنفتی در مقایسه با سالهای قبل از ۱۹۷۳ از آنچنان رونقی برخوردار نبوده است و برعکس روند صعودی قیمت کالاها در سطح خرد و فروشی ادامه داشته و میزان نرخ تورم در مقایسه با دهه ۱۹۶۰ و یا اوائل ۱۹۷۰ به درصد بسیار بالایی رسیده است. نرخ تورم در کشورهای در حال توسعه که نفت صادر نمیکنند در سال ۱۹۷۹ به رقم بی سابقه ۳۱ درصد یعنی بیشتر از نرخ تورم دوره مشابه سال ۱۹۷۸ رسید. برخی از مالک در حال توسعه که در نیمکره غربی واقعند متوسط نرخ تورمی بیش از ۴۷ درصد را تجربه کردند که میتوان از این گروه از آرژانتین با نرخ تورم ۱۶۸/۸ درصد، آرژانتین ۶۹/۷ درصد، برزیل ۵۲/۵ درصد و شیلی ۳۴/۳ درصد را نام برد. در میان کشورهای در حال توسعه منطقه خاور میانه که نفت صادر نمیکنند میتوان از اسرائیل با نرخ تورم ۸۲/۹ درصد، اردن ۱۷/۴ درصد و مصر ۱۰/۹ درصد نام برد. فیلیپین با نرخ تورم ۲۶/۵ درصد، کره با ۲۷/۹ درصد، چین ۱۲ درصد، پاکستان ۱۱/۵ درصد و تایلند با ۱۱/۱ درصد بالاترین نرخ تورم را در آسیا داشتند. نرخ بالای تورم در این کشورها در سالهای اخیر در رابطه مستقیم با افزایش قیمت های وارداتی و سیاستهای انبساطی پولی و پروژه های عمرانی سنگین قیمت بوده است.

کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در سال ۱۹۷۸ از رشدی برابر ۵/۲ درصد بهره بردند و این رشد برای سال ۱۹۷۹ حدود ۵/۴ درصد بیشترین میشود (جدول شماره ۶). ۳۹ کشور عقب افتاده غیرنفتی که تولید ناخالص سرانه آنها در سال ۱۹۷۲ به

بیش از ۳۰۰ دلار نرسید به سختی دارای رشدی حدود ۴ درصد بوده اند. بیش از نیمی از کشورهای فقیر غیر نفتی با داشتن کمترین درآمد سرانه در افریقا قرار گرفته اند. این گروه از کشورهای در حال پایانی اخیر ترین رشد اقتصادی را داشته اند و در سال ۱۹۷۸ این رشد ۲/۵ درصد بوده و در سال ۱۹۷۹ حدود ۳/۵ درصد پیش بینی شده است. در محدوده آسیا برخلاف افریقا تعدادی از کشورها با صنایع داخلی پیشرفته و توسعه سریع واردات تولیدات صنعتی در بالا بردن رشد اقتصادی منطقه سهم بسزایی داشته اند. رشد آسیای جنوبی ۵/۵۴ درصد بوده و آسیای شرقی از رشد قابل توجه ۸/۹ درصد برخوردار بوده است و در سال ۷۹ رشد قاره آسیا بالاتر از ۶ درصد خواهد بود و توسعه اقتصادی در این کشورها در رابطه با مهار فشارهای ترمیمی بوده است.

طی سالهای ۱۹۷۶ الی ۱۹۷۸ متوسط رشد واقعی کشورهای امریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب حدود ۴/۵ درصد بوده است و این رشد برای سال ۱۹۷۹ پیش از ۵ درصد پیش بینی میشود. متوسط میزان تورم در امریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب در سالهای ۷۸ به بیش از ۴ درصد رسیده است. مشکل بیکاری در کشورهای در حال توسعه در سالهای آینده توسعه یافته و ایجاد اشتغال از حادترین مسائل این مناطق خواهد بود. زیرا پیش بینی میشود که کل نیروی کار از ۷۵۰ میلیون نفر در حال حاضر به ۱/۲۵۰ میلیارد نفر در سال ۲۰۰۰ افزایش یابد. از هم اکنون تامین مسکن و خدمات و ایجاد اشتغال برای این جمعیت رویه رشد بصورت يك مشکل حیاتی در این گروه از کشورهای درآمده است.

موازنه پرداختهای کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در سال ۱۹۷۸ در مقایسه با سال ۱۹۷۴ یعنی آغاز افراطیهای نفت در وضعیت بدتری قرار گرفته است. در این سال کسری حساب جاری این کشورها مبلغ ۱۰ میلیارد دلار افزایش یافته و رابطه مبادله بازرگانی آنها در درجه نامساعد تر شده است. در سال ۱۹۷۹ کسری ذکر شده ۱۶ میلیارد دلار بالا رفته و در سال ۱۹۸۰ امیدی به بهبود آن نیروی (جدول شماره ۷).

در طی چند سال گذشته کشورهای عمده صادر کننده نفت به تحکیم موقعیت پوی^{مل} خود

از افزایش بهای نفت در سالهای ۷۴-۱۹۷۳ پرداخته اند. این کشورها اکثراً با اعمال سیاست های محتاطانه داخلی سعی در مهار فشارهای تورمی نموده اند. رشد تولید ناخالص این گروه از کشورها از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۹۷۶ به ۶/۲ درصد در سال ۱۹۷۷ و ۲/۶ درصد در سال ۱۹۷۸ بتدریج تقلیل یافته و در سال ۱۹۷۹ طبق ارقام پیش بینی شده رشدی برابر با ۲/۲ درصد خواهند داشت (جدول شماره ۶).

مازاد حساب جاری کشورهای عمده صادرکننده نفت بطور قابل توجهی از ۶۸ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۴ به ۳۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۷۷ کاهش یافته است. طی این مدت حجم واردات این کشورها توسعه فزاینده پیدا کرده است در حالیکه حجم صادرات به علت کندی مصرف نفت در سطح جهانی و همچنین افزایش تولید نفت در سایر مناطق ارزشمند بسیار کمی برخوردار بوده است. مازاد حساب جاری سال ۱۹۷۸ دوباره به

عبارت تقلیل شدید در ارزش واقعی صادرات نفت و رشد بیشتر واردات و پرداخت های مربوط به خدمات و انتقالات خصوصی ۲۶ میلیارد دلار کاهش یافته و به ۷ میلیارد دلار رسیده است. در سال ۱۹۷۹ مازاد حساب جاری کشورهای عمده صادرکننده نفت در رابطه با افزایش بهای نفت در این سال و بهبود رابطه بازرگانی افزایش فزاینده ای داشته و به ۶۸/۴ میلیارد دلار رسید (جدول شماره ۸).

لازم به یادآوری است که متوسط نرخ تورم در کشورهای عمده صادرکننده نفت به مراتب پایین تر از میزان نرخ تورم در گروه کشورهای در حال توسعه غیرنفتی میباشد.

بطور کلی کشورهای جهان سوم در رابطه با کندی رشد اقتصادی و مشکلات متعدد تجاری،

چشم انداز روشنی در پیش ندارند. بدین خالص کشورهای در حال توسعه غیر نفتی در خلال سالهای ۸۰-۱۹۷۹ بیش از ۸۲ میلیارد دلار افزایش یافته و به ۳۵۸ میلیارد دلار خواهد رسید و به کسری موازنه پرداختهای کشورهای غیر نفتی جهان ۵۵ میلیارد دلار افزوده خواهد شد. آنگاه رشد صادرات این گروه از کشورها ۴/۲ درصد در سال پیش بینی میشود که

۱۹۷۹ آنگاه ۳/۳ درصد در سال ۱۹۸۰ تقلیل یابد. متوسط رشد تولید ناخالص این ممالک در دهه ساله ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۰ بالغ بر ۵/۳ درصد تخمین زده میشود، البته این رشد در مورد کشورهای فقیر بیش از ۳/۴ درصد پیش بینی نمیشود و در نتیجه احتمال نمیرود که تفاوت و نابرابری ثروت در میان کشورهای غنی و ممالک فقیر طی ده سال آینده تخفیف یابد. این کشورها در حال حاضر به واردات بیش از ۸۰ میلیون تن غله نیاز دارند که ۴ درصد بیشتر از احتیاج سه سال گذشته است. قیمت های بالای غلات حدود ۲ میلیارد دلار دیگر به صورت حساب وارداتی آنها اضافه مینماید در حالیکه وضع موازنه پرداختهای این کشورها حتی بدون محاسبه نفت وارداتی روبه وخامت میرود.

جدول شماره (۶)

درصد تغییرات رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه
 طی سالهای ۷۹-۱۹۶۷

متوسط							
۱۹۷۹-۸۰	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	۱۹۷۳	۱۹۶۷-۷۲
کشورهای عمده صادر کننده نفت							
۲/۲	۲/۶	۶/۶	۱۲/۸	-۰/۳	۸/۰	۱۰/۷	۹/۰
کشورهای در حال توسعه							
۵/۴	۵/۲	۵/۱	۵/۰	۴/۰	۵/۶	۷/۱	۶/۱
آفریقا							
۲/۷	۲/۵	۴/۲	۵/۴	۲/۴	۵/۹	۲/۹	۵/۱
آسیا							
۶/۳	۶/۹	۷/۰	۶/۰	۶/۶	۲/۵	۶/۹	۴/۳
کشورهای امریکای لاتین و جزایر دریای کارائیب							
۵/۲	۴/۳	۴/۳	۴/۸	۲/۶	۷/۸	۸/۱	۶/۸

x بیش بینی

ماخذ نشریه صندوق بین المللی پول "دورنمای اقتصاد جهانی" ۱۳ ژوئن صفحه ۴

جدول شماره (۷)
حساب جاری کشورهای در حال توسعه غیر نفتی
(میلیارد دلار)

۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴
-۵۰۰	-۳۴	-۲۴	-۲۶	-۳۸/۵	-۲۴/۵

EUROMONEY

مأخذ: مجله

جدول شماره (۸)

حساب جاری کشورهای عمده صادرکننده نفت
(میلیارد دلار)

۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴
۶۸/۴	۶/۸	۳۲/۵	۴۰/۴	۳۵/۰	۶۷/۸

مأخذ: شریه صندوق بین المللی پول "دورنمای اقتصاد جهانی" ۱۳ ژوئن ۱۹۷۹ و ۳ مارس ۱۹۸۰

۳- تحولات اقتصادی در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی

آنچه بررسی اطلاعات و آمارهای موجود در طول سال مورد گزارش (۱۹۷۹) از وضعیت رشد اقتصادی در این کشورها نشان میدهد، رشد اقتصادی آهسته تر نسبت به سالهای گذشته و یائین ترازد فهای پیش بینی شده است. مطابق بررسی کارشناسان اقتصادی، رشد فعالیتهای اقتصادی در کشورهای عضو کومکون در سال ۱۹۷۸ معادل ۵ درصد بوده است که ۹/۰ درصد بیش از رشد سال ۱۹۷۷ میباشد. در سال ۱۹۷۹ کشورهای عضو کومکون دارای ۵/۲ درصد رشد اقتصادی بودند و برای سال ۱۹۸۰ رشدی برابر با ۴ درصد پیش بینی میشود (جدول شماره ۹).

آهستگی رشد اقتصادی در این کشورها در سالهای اخیر علت تغییرات بنیادی میباشد که کشورهای سوسیالیستی در سیاستهای خود برای بهبود کیفیت کالا و افزایش کارائی داده اند. کشورهای عضو کومکون در طول سالهای ۷۵-۱۹۷۰ از رشد سالیانه برابر با ۸ درصد و در طول سالهای ۸۰-۱۹۷۵ از رشدی برابر با ۵/۴ درصد برخوردار بوده اند.

محافل اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی تأیید نموده اند که اقتصاد این کشور در سال جاری به علت عدم بهره وری کافی و ناآرامیهای جوی، نامطلوب ترین شرایط اقتصادی را از زمان جنگ جهانی دوم داشته است. درآمد ملی این کشور در طول سال ۱۹۷۹ فقط ۲ درصد افزایش داشته که کمتر از نصف رقم برنامه ریزی شده (۳/۴ درصد) و همچنین رقم رشد سال گذشته (۴ درصد) میباشد. رشد کالاهای صنعتی این کشور نیز در سال ۱۹۷۹ فقط ۴/۳ درصد بود که در مقایسه با هدف تعیین شده (۷/۵ درصد) کاهش نشان میدهد. در بخش کشاورزی نیز قدرت تولیدی با کاهش بمیزان ۴ درصد روبرو شد. در کشور لهستان رشد اقتصادی بدست آمده ۴/۲ درصد بود، که از هدف تعیین شده ۸/۲ درصد کمتر بوده است. ضمناً رشد صنعتی لهستان در سال مورد گزارش

بود که از رقم مورد نظر (۹/۴ درصد) کمتر می باشد. در کشور مجارستان نیز در سال ۱۹۷۹، رشد اقتصادی بین ۱/۵-۱ درصد بود که در مورد این کشور نیز رشد حاصله کمتر از رقم پیش بینی شده بود. در سال ۱۹۷۹ فعالیت های اقتصادی در چکوسلواکی ۸/۲۲ درصد و تولیدات صنعتی حدود ۲/۳ درصد افزایش یافت در صورتیکه در برنامه اقتصادی رشد تولیدات صنعتی مورد نظر حدود ۵/۴ درصد بوده است.

نکته قابل ملاحظه در مورد این گروه کشورها این بود که برای مدت طولانی از ثبات قیمت ها برخوردار بوده اند ولی در سال مورد گزارش این امر دیگر صدق نمی کند. کشور مجارستان اعلام نمود که قیمت بعضی از کالاها را افزایش داده است و در نیمه دوم سال ۱۹۷۹ افزایش قیمت های خرده فروشی ۱۳ درصد بیشتر از مدت مشابه سال گذشته بود. در لهستان دولت قیمت ها را افزایش داده است و خرده فروشان مجاز بودند کالا های مصرفی را بیشتر از قیمت های دولتی عرضه نمایند. رشد سالانه تورم کشور لهستان بین ۱۱ تا ۱۹ درصد بود. آلمان شرقی، بلغارستان، چکوسلواکی، رومانی و شوروی نیز در سال ۱۹۷۹ به افزایش قیمت ها اذعان نمودند.

کشورهای کومکن در موازنه بازرگانی خود در سال ۱۹۷۹ بطور محسوسی با تضعیف "رابطه مبادله" بازرگانی مواجه شده و بخصوص در زمینه انرژی با افزایش قیمت های نفت و گاز شوروی و همچنین افزایش بهای نفت اوپک روبرو شده اند. دولت اتحاد شوروی توانسته است با کم نمودن میزان بدهی ارزی خود هزینه راه های خود را تقلیل دهد. ضمناً "بعلت افزایش قیمت طلا و فروش آن به سایر کشورها و همچنین افزایش بهای نفت، کشور شوروی قادر به کاهش میزان بدهی های خود به کشورهای غربی شده است. در سال مورد گزارش علی رغم کاهش بدهی های کشورهای شوروی، استقرار سنگین کشور لهستان باعث شده که این کشور بالاترین میزان بدهی را بین کشورهای عضو کومکن داشته باشد. میزان استقرار ارزی کشور لهستان بالغ بر ۱۹-۱۷/۵ میلیارد دلار و در آلمان شرقی با ۹ میلیارد دلار و با چکوسلواکی با ۵/۳ میلیارد دلار به ترتیب قرار دارند.

در پایان نیمه اول سال ۱۹۷۹ کسری بازرگانی کشور شوروی با ممالک غربی و ژاپن به $۶۴۲/۲$ میلیارد دلار بالغ گردید که از کسری دوره مشابه سال قبل کمتر است. در این دوره تجارت شوروی با کشورهای صنعتی غرب $۱۳/۱$ درصد با کشورهای جهان سوم $۱۱/۲$ درصد و با کشورهای سوسیالیست $۹/۲$ درصد افزایش یافت.

علیرغم بوجود آمدن مسائل سیاسی بین کشورهای آمریکا و شوروی در نیمه دوم سال ۷۹ محافل پولی غرب بطور اعم و بانکهای آمریکائی بطور اخص سعی بر آن دارند که کشورهای اروپای شرقی را از نظر میزان اعتبار دهی و تامین مالی بخاطر ملاحظات سیاسی محروم سازند. زیرا بدون تردید هرگونه اقدام کشورهای صنعتی غرب بمنظور تحریم و یا کاهش صادرات به کشورهای بلوک شرق بیشترین کشورهای اروپای شرقی لطمه خواهند زد تا به کشورهای اتحاد شوروی. بدین ترتیب میزان بدهی های کشورهای اروپای شرقی در چند ماهه اخیر افزایش یافته در حالیکه کشور شوروی موفق به پرداخت مقادیر مقتضایی از آن گردیده لذا کاهش اعطای اعتبارات غرب به بلوک شرق به علت محدودیت منابع کشورهای اروپای شرقی نسبت به کشور شوروی، سایر کشورهای اروپای شرقی را در تنگنای مالی قرار خواهد داد.

در بین کشورهای اروپائی، آلمان غربی، فرانسه و ایتالیا وابستگی های مالی گسترده ای به بلوک شرق دارند و تمایلی به قطع آن نیز ندارند. علاوه بر کاهش استقراض شوروی از بانکهای غربی در طول سال مورد گزارش، بعلاوه افزایش قیمت های نفت و فلزات گرانبها بخصوص در نیمه دوم سال ۷۹ کسری بازرگانی شوروی با غرب در طول سال مورد گزارش به حدود $۲/۸$ میلیارد دلار تنزل یافت در حالیکه رقم مشابه سال ۷۸ برابر با $۳/۳$ میلیارد دلار بود.

(جدول شماره ۹)

رشد اقتصادی سالانه در کشورهای اروپای شرقی

(درصد)

(۲)			(۱)				
۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۷	۱۹۷۶	۱۹۷۵	۱۹۷۴	
۴/-	۲/-	۴/-	۴/۰	۴/۵	۴/۰	۵/۰	شوروی
۴/۸	۴/-	۷/۶	۵/۲	۳/۰	۵/۵	۶/۳	آلمان شرقی
—	۲/۸	۴/-	۴/۵	۴/۰	۵/۴	۵/۵	چکسلواکی
—	۲/۴	۴/-	۵/۶	۷/۰	۸/۰	۱۰/۰	لهستان
۳/۵	۱/۵	۴/-	۸/۰	۳/۰	۵/۴	۷/۰	مجارستان
۸/۸	۶/۲	۷/۶	۸/۶	۱۰/۵	۱۲/-	۱۲/۵	رومانی
۵/۷	۶/۵	۶/-	۶/۳	۹/-	۹/-	۷/۵	بلغارستان
۴/-	۲/۵	۵/-	۴/۱	۴/۸			کومکن

مأخذ: موسسه ملی تحقیقات اقتصادی انگلیس و سایر برآوردها

(۱) : ارقام سال ۱۹۷۷ مربوط به رشد تولید خالص مادی میباشد .

(۲) پیش بینی شده

۴- وضع ارزهای عمده.

نرخهای شناور ارز در طی دهه گذشته نه تنها از نوسانات فاحش نرخهای ارز در برابر یکدیگر جلوگیری بعمل نیآورد بلکه دامنه این نوسانات را عمیق تر گردانید. واگذاری تعدیل نرخ دلار به مکانیسم بازار باعث گردید که دلار آمریکا در برابر ارزهای عمده به میزان زیاد کاهش یابد.

در سال گذشته نیز نوسانات نرخ ارز، آنچنان بود که عدم اعتماد را به مکانیسم بازار در تعدیل قیمت نرخ ارزها تشدید کرده و مقامات پولی - بانکی کشورهای عمده صنعتی را وادار کرد تا به تفکر بنشینند و برای مقابله با این نوسانات بخصوص تنسزل فوق العاده دلار، اقدامات عاجلی انجام دهند. در سال گذشته، قرار بر این شد که کنترل نوسانات نرخهای ارز از هدفهای عمده سیاستهای پولی، مالی کشورهای مربوطه گردد. در رابطه با این توافق آمریکا برنامه های وسیع پولی مالی خود را در جهت کنترل نرخ دلار در سال گذشته به مرحله اجرا درآورد.

در طی سال ۱۹۷۹ دلار در برابر کلیه ارزها با استثنای ژاپن تنزل ارزش یافت.

در این دوره متوسط برابری دلار به حق برداشت مخصوص از ۷۹۸۷۲/۰ به ۷۷۲۳۹۹/۰.

کاهش یافتن این تغییرات، کاهش به میزان ۳/۱۰ درصد را نشان میدهد.

مهمترین اقدام آمریکا نسبت به دلار در سال ۱۹۷۹ عبارت از قبول کردن مسئولیت در مقابل کنترل نرخ دلار بوده. طفره رفتن آمریکا از اجرای سیاستهای پولی و مالی صحیح در جهت کنترل نرخ دلار موجب بحران دلار در طول سالهای ۷۳-۱۹۷۱ گردید. تا این دوره آمریکا از کشورهای صنعتی دیگر انتظار داشت تا سیاستهای پولی و مالی خود را در جهت حمایت از نرخ ارزهایشان اجرا کنند بدون اینکه خود مسئولیتی را در این مورد بپذیرد. پس از سال ۱۹۷۳ روش نرخهای شناور ارز برای نجات دلار از بحران به مرحله اجرا درآمد، لیکن برخلاف تصورات مقامات آمریکائی این روش نیز نتوانست وضع دلار را بهبود بخشد.

در طی سال ۱۹۷۹ لیره استرلینگ قویترین ارز در جهان بشمار آمد. لیره استرلینگ در طی دوره مذکور به دلار آمریکا بطور متوسط $۱۱/۳$ درصد افزایش نشان میدهد.

ذخائر نفتی دریای شمال که ۸۰ درصد احتیاجات نفتی انگلیس را تامین میکند یکی از عوامل اصلی تقویت لیره میباشد. از دیگر عوامل اصلی در جهت تقویت نرخ لیره استرلینگ سیاستهای انقباضی پولی دولت کارگری انگلیس بوده که این سیاست همچنان در دولت بعدی نیز ادامه یافت. وجود نرخهای بهره بالا در انگلستان سبب گردید مقادیر معتدله‌ای سرمایه از کشورهای دیگر به انگلستان روانه گردد و در نتیجه موجب تقویت لیره شود. خوشبینی‌های مربوط به روی کار آمدن حزب محافظه کار انگلیس نیز بی تاثیر در افزایش نرخ لیره نبود. زیرا عقیده عمومی بر این بود که روی کار آمدن دولت محافظه کار موجب پیدایش خوشبینی در میان سرمایه داران نسبت به آینده اقتصادی این کشور در نتیجه استحكام لیره خواهد گردید.

در طی سال ۱۹۷۹ مارک آلمان پس از لیره استرلینگ یکی از قویترین ارزهای معتبر در جهان بود. در طی این مدت نرخ برابری مارک آلمان به دلار آمریکا بین $۱/۹۲۰۳ - ۱/۷۰۷۰$ مارک هر دلار نوسان داشت مارک آلمان به دلار آمریکا در این مدت بطور متوسط $۷۵/۱$ درصد نسبت به رقم مشابه دوره قبل ترقی داشته است. در طی سال ۱۹۷۸ افزایش نرخ مارک در برابر دلار در مقایسه با این فرانک سوئیس بسیار کمتر بود. این امر سبب گردید که مارک در سال ۱۹۷۹ در وضعیتی بهتر ازین فرانک سوئیس باشد.

تقویت نرخ مارک تنها نسبت به دلار آمریکا نبوده است، بلکه این ارز نسبت به سایر ارزهای سیستم پولی اروپا نیز تقویت شد، بطوریکه دولت آلمان مجبور گردید نرخ برابری رسمی مارک را به میزان ۲ درصد در برابر دیگر ارزهای عضو سیستم پولی اروپا افزایش دهد.

در طی سال گذشته فرانک سویس در برابر لیره استرلینگ و مارک آلمان غربی تضعیف و در مقابل سایر ارزهای عمده تقویت شد. نرخ برابری فرانک سویس به دلار آمریکا در این دوره در محدوده ۱/۷۴۳۷۵ - ۱/۵۴۷۰ فرانک هر دلار نوسان داشت. در طی مدت فوق فرانک سویس به میزان ۱/۰۷ درصد نسبت به رقم مشابه سال قبل در برابر دلار آمریکا تقویت شد.

کاهش نرخ فرانک سویس در ابتدای سال، مقامات بانک مرکزی آن کشور را بر آن داشت تا در خالتهائی در جهت کنترل نرخ فرانک سویس بعمل آورند. از جمله این اقدامات سیاستهای انقباضی پولی و کاهش در محدودیتهای ورود سرمایه به سویس بوده. لکن علیرغم وجود کسری بازرگانی و روند صعودی قیمت در سویس، از آن جهت که این کسری و روند قیمت هنوز در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی در وضع رضایت بخشی بوده است، نرخ فرانک سویس در سال جاری نسبت به ^{اکثر} ارزهای عمده در مقام نسبتاً بالائی قرار داشت.

در طی سال ۱۹۷۹ فرانک فرانسه نسبت به لیره استرلینگ، مارک آلمان و فرانک سویس تضعیف و در برابرین ژاپن تقویت گشت. دامنه نوسان نرخ دلار نسبت به فرانک فرانسه در طی دوره مذکور در محدوده ۴/۴۴۷۸ - ۴/۰۰۵۲ فرانک هر دلار قرار داشت. در این مدت فرانک فرانسه در مقابل دلار آمریکا به میزان ۷۲/۵ درصد نسبت به رقم مشابه دوره قبل تقویت شد.

با آغاز فعالیت سرچشم جدید پولی اروپا در روز ۱۳ مارس ۱۹۷۹، بسیاری از معاهدات و انتظارات داشتند که مشکلات اقتصادی فرانسه، این کشور را ناچار از ترک سیستم درآینده نزدیک خواهد نمود. تقویت فرانک فرانسه همگام با مارک آلمان و دیگر ارزهای قوی عضو

تنها چنین وضعی را سبب نگردید بلکه در پایان سال ۱۹۷۹، فرانک فرانسه یکی از قویترین ارزهای عموا این سیستم بود .

این ژاپن در سال گذشته ضعیف ترین ارز عمده در بازارهای جهانی، ارز بود در این دوره نرخ این ژاپن در محدوده ۲۵۰ / ۸۵ - ۹۵ / ۵۰ بین هر دلار نوسان داشت در این دوره این ژاپن نسبت به دلار ۱۳ / ۴ درصد نسبت به رقم مشابه دوره قبل تضعیف شد . تقویت بیش از حد این ژاپن در سال ۱۹۷۸ موجب گرانتر شدن کالاهای ژاپن گشته و در نتیجه محصولات ژاپنی از نظر رقابتی در وضع نامطلوبی قرار گرفت . از طرف دیگر مازاد موازنه بازرگانی ژاپن که برای مدت ها ادامه یافته بود ، مقامات امریکائی و دیگر کشورهای اروپائی را بر آن داشت تا ژاپن را ناچار به کاهش تعرفه های گمرکی خود سازند . علاوه بر این کاهش عرضه و افزایش قیمت نفت که مسائل و مشکلاتی را برای اقتصاد کشورهای صنعتی پدید آورد ، بیش از هزار دلار دیگرین ژاپن را تحت فشار قرار داد ، زیرا حدود ۹۹ درصد از نفت مصرفی ژاپن وارداتی است و همین امر سبب میشود نوسانات این در مقابل تحولات بازارهای نفتی حساس باشد .

دامنه نوسانات نرخ دلار به ارزهای عمده طی سال ۱۳۷۹:

نوع ارز	دامنه نوسان	متوسط سال ۷۹	متوسط سال ۷۸	درصد تغییر نرخ متوسط سال مورد گزارش به سال ماقبل آن *
لیره استرلینگ (۱)	۱,۹۸۰۰ - ۲/۳۲۹۰	۲/۱۲۱۶	۱/۹۱۹۵	-۹/۵۳
مارك آلمان	۱/۹۲۰۳ - ۱/۷۰۷۰	۱/۸۳۲۹	۲/۰۰۸۶	-۸/۷۵
فرانك سوئیس	۱/۷۴۰۷ - ۱/۵۴۷۰	۱/۶۶۲۷	۱/۷۸۸۰	-۷/۰۱
فرانك فرانسه	۴/۴۴۷۸ - ۴/۰۰۵۲	۴/۲۵۴۵	۴/۵۱۲۸	-۵/۷۲۰
دلار امریکا (۲)	۰/۷۹۰۶۴ - ۰/۷۵۸۵۵	۰/۷۷۳۹۹	۰/۷۹۸۷۲	-۳/۱۰
ین ژاپن	۲۵۰/۸۵ - ۱۹۵/۵۰	۲۱۹/۱۷	۲۱۰/۴۷	+۴/۱۳

(۱) - ارز به دلار

(۲) - دلار به SDR

* درصد تغییر مثبت تقویت دلار و درصد تغییر منفی تضعیف دلار را نشان میدهد،

۵- تحولات سیستم پولی بین‌المللی در سال ۱۹۷۹

نظام پولی بین‌المللی مجموعه قوانین پولی مدونی می‌باشد که اکثر کشورهای جهان بر اساس آن در امر گسترش همکاری پولی بین‌المللی، رشد تجارت جهانی، ایجاد توازن در موازنه پرداخت‌های کشورهای آنها و ایجاد ثبات در بازارهای ارزی تشریک مساعی بعمل می‌آورند. بواسطه آنکه کلیه این قوانین در چارچوب سازمان خاص موسوم به صندوق بین‌المللی پول تدوین می‌گردد و به اجرا در می‌آید، لذا یک جنبه بسیار مهم سیستم پولی جهانی با فعالیت‌های صندوق بین‌المللی پول مشخص می‌گردد. اما بهر حال چون این موسسه با هزاران رشته مرئی و نامرئی به کل سیستم اقتصاد جهان مرتبط می‌گردد، لذا علی‌الاصول سیستم پولی جهانی و متبع آن صندوق بین‌المللی پول نمی‌تواند مستغفرد ز جدا از تحولات اقتصادی در بطن جامعه بین‌المللی بررسی گردد. لیکن علیرغم این پیوند نزدیک فعالیت‌های صندوق عمدتاً توسط ارگان‌های تصمیم‌گیرنده اجرایی و وابسته آن مشخص می‌شود.

در دوره مورد بررسی جلسات کمیته‌ها و کنفرانس‌های مختلفی که توسط صندوق برپا شد هر یک بنحوی بازتاب بحران اقتصادی و سیاسی شدیدی است که اقتصاد بین‌المللی با آن دست‌گیربان بوده و هست. این بهیچ‌عادت عمدتاً عبارت بودند از:

- جلسات گروه ۲۴

- جلسات کمیته موقت

- مجمع عمومی مشترک صندوق و بانک جهانی

- فعالیت‌های مختلف صندوق

- جلسات کمیته توسعه

۱- جلسات گروه ۲۴

گروه ۲۴ سازمانی است مرکب از نمایندگان ۲۴ کشور در حال توسعه در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین. نمایندگان این گروه قبل از تشکیل جلسات کمیته موقت و کمیته توسعه صندوق بین المللی پول برای ایجاد هماهنگی و اتخاذ موضع یکسان و مشترک در جلسات صندوق و بانک جهانی حضور بهم می رسانند. در دوره مورد بحث گروه ۲۴ دوبار در ماههای مارس و سپتامبر ۱۹۷۹ تشکیل جلسه داد. نتایج حاصل از این دو جلسه که کیلاً "بصورت بیانیها در خصوص اوضاع احوال اقتصاد جهانی است بشرح ذیل می باشد:

الف- اصلاح نظام پولی بین المللی

در سال ۱۹۷۹ کوشش این گروه صرف تهیة يك برنامه عملی برای اصلاح مجدد سیستم پولی بین المللی گردید و در این برنامه پس از اشاره کلی به هدفهای اصلاح نظام پولی و اعلام گردید که اهداف اصلاح نظام پولی بین المللی تحقق نیافته است و مشکلاتی مانند نوسان شدید نرخ ارزها، عدم کنترل نقدینگی جهانی و توزیع نامتعادل آن، فقدان وجود مکانیسم تعدیل کننده موازنه پرداختهای بین المللی و کمک ناکافی به کشورهای در حال رشد لطمه فراوانی به رشد اقتصادی کشورها و بازرگانی بین المللی وارد آورده است. با توجه به این وضع و با در نظر گرفتن تغییراتی که در اثر تورم توأم با رکود پیش آمده است گروه ۲۴ پیشنهاد کرد که سیستم پولی جدید با خصایص نوینی از قبیل ابتداع مکانیسم موثر جهت تعدیل پرداختهای جهانی، ایجاد ثبات در نرخ ارز کشورها، انتشار صندوق بر نرخ ارز اعضا، کنترل نقدینگی جهانی، افزایش کمک های بلا عوض و تسهیل شرایط به کشورهای در حال توسعه و افزایش منابع وام دهی موسسات مالی بین المللی و منطقه ای و غیره جایگزین نظام

فعلی گردد . در مورد ایجاد حساب جانشینی که مورد بحث صندوق و محافل پولی بین-
المللی است ، گروه ۲۴ از حمایت صریح از این مکانیسم جدید که هنوز مورد اجراء در
نیامده است خود داری ورزید و تائید خود را منوط به رفع ابهامات فعلی در چارچوب
این حساب اعلام داشت .

بد اوضاع اقتصادی جهان

بیانیه ها و گزارشات گروه ۲۴ حاکی از این است که کشورهای در حال رشد بطور جمعی
از قلت رشد اقتصادی ، تورم فزاینده و بیکاری روز افزون نگران میباشند و رشد اقدامات حمایتی
و اعمال تبعیض در روابط تجاری توسط کشورهای صنعتی را عاملی در تشدید و خامت اوضاع
اقتصادی نابسامان کشورهای در حال توسعه میدانند و در زمینه
پسرداختهای بین المللی کسری روبه تزاید موازنه پرداختهای کشورهای در حال توسعه
غیرنشتی و از دیان بدهیهای خارجی این کشورها یکی از مسایلی بوده است که نه تنها
لایحل باقی مانده بلکه در رنمای آن تیره شده است . گروه ۲۴ در طی بیانیه خود در سال
گذشته تذکر شد که علاوه بر این عوامل دنا هتر کمکهای عمرانی رسمی به کشورهای در حال
توسعه و شرایط دشوار سیاسی و اقتصادی ناظر به وامهای اعطائی از جانب محافل مختلف
کشورهای صنعتی همچنان سد راه رشد اقتصادی و استقلال سیاسی آنها می باشد .

۲- جلسات کمیته موقت

کمیته موقت صندوق بین المللی پول که بالاترین مرجع بررسی مسائل سیستم پولی
بین المللی است در ۷ مارس و اول اکتبر ۱۹۷۹ تشکیل جلسه داد . جلسات کمیته موقت
که مأمور بررسی مسایل عمده پولی بین المللی در چارچوب صندوق می باشد ابتدائات حولت
اقتصاد جهانی مورد بحث قرار گرفت و پس از اشاره به وضعیت نابسامان رکود اقتصادی و

وتورم فزاینده در سطح جهان، از دیار فشارهای تورمی را معلول افزایش بهای نفت
 قلمداد گردید. علیرغم اینکه کمیته موقت میتواند نفوذ بسیار زیادی از طریق صندوق
 بین‌المللی پول در جهت ^{تصحیح} سیاست‌های مخرب کشورهای صنعتی داشته باشد؛ لیکن
 مسایل را آنجا که عامل عمده موجود آن کشورهای صنعتی هستند نادیده می‌گیرد و با
 از اظهار نظر قطعی طفره می‌برد و در آنجائی که سیاست‌های کشورهای صنعتی بصورت
 يك مجموعه با اقدامات جمعی کشورهای در حال توسعه، مانند سیاست‌های امریکه،
 در تعارض قرار می‌گیرد از ابراز مطالب منطقی خودداری می‌کند. نمونه آن انتساب
 تشدید تورم به از دیار بهای نفت توسط کشورهای صادرکننده نفت و خودداری از ذکر
 علل تشدید عدم تعادل تراز پرداختهای بین‌المللی است که در درجه اول معلول مکانیزم
 غیر عادی ^{شد} اقتصاد داخلی کشورهای صنعتی می‌باشد. کمیته موقت از تشکیل حساب جانشینی
 حمایت کرد و اعلام داشت که افتتاح این حساب گام موثری در جهت بهبود اصلاح نظام
 پولی می‌باشد. حساب جانشینی، حسابی است که در صورت تصویب و افتتاح، دارائی‌های
 دلاری کشورهای داوطلب را گرفته و در مقابل به آنها اسناد مطالباتی بر حسب SDR با
 نرخ بهره معین و شرایط خاص میدهد.

۴- جلسه مشترك صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

جلسات مجمع عمومی مشترك بانک جهانی و صندوق هر سال در ماه اکتبر برپا
 می‌گردد. در این اجلاسیه مشترك نمایندگان کشورهای عضو صندوق با ایراد نطق‌ها
 نظرات و مواضع کشورهای متبوع خود را در خصوص امور اقتصاد بین‌المللی ابراز میدارند.
 در طول فعالیت صندوق و بانک جهانی، این جلسات محفلی برای ابراز عقاید کشورهای
 مختلف بوده است و نظرات ابراز شده توسط نمایندگان کشورهای علیرغم اینکه بازتاب اختلافات

عمیق میان گروههای مختلف کشورها نیز بوده است لیکن از حد کلی باقی و اشاره به مسایل عام فراتر نرفته است. در جلسه مذکور وزیر ارائی عربستان سعودی از نسبت دادن تورم جهانی به از دیار قیمت نفت انتقاد کرد. ویلیام میلر وزیر خزانه داری ایالات متحده آمریکا - تفسیر تمام مشکلات و نارسائیهای موجود در سیستم اقتصادی و پولی جهانی را بگردن افزایش قیمت نفت گذاشت و اعلام نمود که از دیار بهای نفت موجب کسری تورم و رکود کشورهای صنعتی و در حال توسعه شده است. سایر نمایندگان موافق منافع ملی یا منطقه ای خود سخنرانیهای در خصوص مشکلات مزمن بین المللی ایراد نمودند. کشورهای در حال توسعه عموماً از تشدید تضییقات و گسترش روند حمایتی در روابط تجاری جهانی توسط کشورهای صنعتی انتقاد کردند.

۴- فعالیت های صندوق بین المللی پول

در سال ۱۹۷۹ تقاضا برای استفاده از منابع مالی صندوق کماکان در سطح بالائی قرار داشت زیرا اغلب کشورهای در حال توسعه کماکان با کسری برآزته پرداختها مواجه بودند و قسمت اعظم استقراض از صندوق توسط این گروه کشورها انجام گردید. کل برداشتهای کشورهای عضو صندوق طی دوره یاد شده برقم ۱۰۸۴۳ میلیون ^{SDR} بالغ شد که از این مقدار از آنها مبلغ ۳۸۰ میلیون SDR آن توسط کشورهای اروپائی برداشت گردید و مابقی مربوط به کشورهای در حال توسعه بود.

علیرغم تشدید نیاز کشورهای در حال توسعه به استقراض از صندوق، بدلیل شرایط دشوار ناخبریه وام های اعطائی صندوق، کشورهای مذکور برای تامین کسری خود بیشتر

اقدام به استقراض از بازارهای بین المللی نموده اند. در دوره منبر کشورهای عضو مبلغ ۱۰۳۱۱ میلیون SDR از حساب حق برداشت به خصوص وام گرفتند. خراجهای ماهانه صندوق

نیز ادامه یافت و صندوق همراه ۴۴ هزار و ۵۰۰ دلار در بازار آزاد بفروش رساند و تا پایان سال ۱۹۷۹ مبلغ ۱۴۱۰ میلیون دلار منفعت حاصله بحساب صندوق امانی واریز گردید. صندوق امانی تسهیلاتی است که قسمت اعظم منابع مالی آن از طریق واریز بخشی از منافع حاصل از حراجهای صندوق تامین میگردد و وامهای سهل الشرایط در اختیار کشورهای در حال توسعه قرار میدهد.

۵. جلسات کمیته توسعه

کمیته توسعه بنابر پیشنهاد کمیته ۲۰ در سال ۱۹۷۴ مبنی بر ایجاد کمیته مشترکی مرکب از نمایندگان صندوق و بانک جهانی برای رسیدگی و مطالعه در مورد انتقال منابع مالی به کشورهای در حال توسعه تشکیل شد. این کمیته همزمان با کمیته موقت تشکیل جلسه میدهد (معمولاً سالی دو بار که یکبار آن قبل از اجلاسیه سالانه صندوق و بانک در پایتخت هر سال است).

نظراتی که در اجلاسیه های این کمیته ابراز میشود عموماً جنبه توصیه دارد و تصمیماتی در این کمیته اتخاذ نمیکرد.

طی دوره مورد بررسی این کمیته دو بار تشکیل جلسه داد که خلاصه نظرات و عقیده ابراز شده بشرح زیر می باشد :

الف : ملاحظه گزارشات تهیه شده توسط بانک جهانی و صندوق در مورد جریان منابع مالی به کشورهای در حال توسعه - کمیته در این مورد لزوم احتیاج بیک چارچوب جامع و فراگیرنده توسعه را با توجه به مفهوم افزایش اتکا، متقابل کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بیکدیگر تأکید کرد. در این مورد درآمد سالانه باین کشورهای فقیر و مشکل لا ینحل تامین احتیاجات اولیه میلیونها انسانی که در فقر مطلق زندگی میکنند در مد نظر قرار گرفت. در اجلاسیه سپتامبر کمیته توسعه این مسئله بررسی شد که بسیاری از کشورهای

در حال توسعه در چند سال آینده با موقعیت های بسیار نامساعد اقتصادی مواجه خواهند شد. بطور کلی در رابطه با مسئله جریان منابع مالی به کشورهای در حال توسعه خط مشی کمیته براساس موارد ذیل بود:

— چارچوب تجارت بین ممالك صنعتی در حال توسعه

— تقویت بنیه مالی بین المللی از طریق بانکهای تجاری در موسسات چند جانبه

— عرضه اختصاصی سرمایه به فقیرترین ممالك

از جمله موارد دیگر مورد بحث اهمیت کمک های رسمی عمرانی (ODA)

برای برنامه های رشد کشورهای کم درآمد و انجام اقدامات لازم منظور افزایش کمکهای فوق بود.

دریگر از مسایل مطروحه استقبال کمیته از افزایش سرمایه بانک جهانی (رسیدن

به ۴۰ میلیارد دلار) بود. کمیته در این مورد خواستار انجام اقدامات لازم جهت

بمورد اجراء درآمدن این تصمیم شد. کمیته همچنین اشاره به مشکل تامین منابع مالی

میان مدت برای تعدیلات موازنه پرداختها نمود و در ارتباط با این مسئله کمیته اظهار

داشت که تسهیل گسترده صندوق (Extended Fund Facility) مکانیسم موثری

در رفع این مشکل بوده است و امکانات بالقوه بسیاری در آینده در اختیار دارد. در مورد

تسهیلات تکمیلی صندوق (Supplementary Financing Facility) نیز کمیته

خواستار جستجوی راههایی بمنظور کاهش هزینه های بهره این تسهیل گردید.

در مورد بحث درباره مشکلات تعدیلات بلند مدت کمیته از تمایل بانک جهانی در خصوص

افزایش برنامه وام دهی در کل عشیات بانک را ستود. ضمناً کمیته در تامین منابع مالی

نقش سرمایه های خصوصی را در تامین احتیاجات سرمایه ای کشورهای در حال توسعه

مورد تأکید قرار داد.

تثبیت درآمد های صادراتی

این مسئله نیز مجدداً در اجلاس های کمیته مورد بررسی قرار گرفت . کمیته توسعه در این مورد تأکید نمود که بایستی مکانیسم صحیحی جهت تخفیف فشارهای ناشی از نوسانات در درآمد های صادراتی کشورهای در حال توسعه بخصوص آن ممالکی که به طور وسیعی به صادرات مواد اولیه متکی هستند ، ایجاد گردد ، و کمک لازم کشورها در حال توسعه جهت تنوع بخشیدن به صادراتشان صورت گیرد . کمیته در این مورد ضمن

اشاره نقش تسهیلات مالی جبرانی (Compensatory Financing Facility)

از امکانات جدیدی که در ^{فوق} تسهیلات موجود آمده است استقبال کرد .

کمیته همچنین اشاره کرد که در بلند مدت مسئله نوسانات درآمد های صادراتی با تنوع بخشیدن در صادرات این کشورها تقلیل می یابد و برای این منظور بایستی منابع بانک و موسسه بین المللی توسعه (IDA) قابل دسترسی باشد

کمیته همچنین از معاهده جدید که جایگزین معاهده "لومه" شده خصوصیات

جدید * STABEX در این قرارداد جدید اظهار رضایت کرد .

* - STABEX تسهیل مالی جبرانی بمنظور تثبیت درآمد های صادراتی می باشد که توسط جامعه

اروپایی اداره میشود . این تسهیل شامل ۵۷ کشور آفریقایی و کارائیب و نواحی اقیانوس آرام می باشد

که از سال ۱۹۷۵ تحت معاهده لومه ایجاد شد .

وسیع در بازارهای بین المللی ایجاد نمود که در نتیجه فرصت بسیار مناسبی برای بورس بازی فراهم گردید. در این شرایط تقاضا از طرف سرمایه گذاران و سحتکرین نیز که در پی پناهگاه مطمئن مالی بودند، افزایش یافت.

به نظر کارشناسان علت هجوم به طرف طلا بسیار روشن است. زیرا نگرانی نسبت به آینده جهان، سرمایه گذاران و حتی مردم عادی را وادار میکند که با خرید طلا خود را در مقابل بحرانیهای گوناگون موجود در نظام اقتصاد غرب بیمه نمایند. به نظر آنها طلا وسیله ایست که بعنوان حفظ ارزش داراییها در مقابل تورم بکار میرود.

طی این دوره تبدیل پولهای کاغذی به طلا توسط سرمایه گذاران بزرگ نیز صورت گرفت. برخی از این خریداران شامل بانکهای عمده سوئیس و آلمان و برخی ممالك عربی صادرکننده نفت بودند. از سوی دیگر بازار سلف^{های} امریکا نیز نقش مهمی در افزایش قیمت طلا در بازارهای اروپا ایفا نمودند. خریدهای بزرگی که در این بازارها صورت گرفت، به افزایش قیمت کمک کرد. به نظر معامله گران قدرت و آمارگی امریکائیان در سرمایه گذاری در طلا عامل مهمی است بطوریکه سرمایه گذاری در بازار سلف طلا در سه سال گذشته افزایش یافته است. ابعاد بسیار وسیع بورس بازی طلا طی این زمان بوسیله حجم معاملات در بازار سلف نیویورک حدود ۸۰ تن بوده است که در مقایسه با کل تولید افریقای جنوبی (که ۷۰۰ تن میباشد) رقم بزرگی است. لکن فقط حدود ۲ تا ۵ درصد از معاملات سلف به حمل فیزیکی طلا میانجامد. بدین ترتیب بورس بازی در این بازار سهم قابل توجهی از کل معاملات را دارا میباشد. از سوی دیگر افزایش قیمت نفت منابع مالی جدیدی را برای خرید طلا توسط کشورهای عربی خاورمیانه بوجود آورد. مازاد حساب جاری کشورهای صادر در سال ۱۹۷۹ بالغ بر ۶۸ میلیارد دلار^{کننده نفت} بود.

و طبق برآورد این بازار در سال ۱۹۸۰ به ۱۱۵ میلیارد دلار خواهد رسید . در حال حاضر این فلز تنها دارای است که میتواند نزد کشورها قرار گیرد و از هرگونه صادرات و بلوکه شدن مصون بماند . طبق برخی گزارشات تعدادی از کشورهای شیخ نشین عرب طلا را از شوروی خریداری کرده اند . بدین ترتیب بازار طلا دستخوش کاهش قیمت در اثر عرضه طلای شوروی نمیکرد و معامله ایست که نفع هر دو طرف در آن حفظ میشود .

ذخائر بین المللی - رسال ۱۹۷۹

بر اساس آمار مالی بین المللی ارزش موجودیهای رسمی ذخائر ارزی رسال ۱۹۷۸

نسبت به سال قبل حدود ۱۱ درصد افزایش یافت و از ۲۲۰/۸ میلیارد SDR به ۲۴۵/۷ میلیارد SDR در پایان سال ۱۹۷۹ رسید. افزایش مذکور تنها منعکس کننده نقل و انتقالات ذخائر خارجی - شامل مانده قروض رسمی خارجی و بازپرداخت بدهیهای خارجی - نمیشد بلکه بخشی از این افزایش در اثر تغییر نرخ ارز کشورهای موجود آمده است. بر اساس جدول شماره ۱۱ رسال مورد بحث ۸۱/۳ درصد از کل ذخائر رسمی بین المللی را ذخائر ارزی تشکیل میداد که ۹۰ درصد آن به پول کشورهای صنعتی بود، سهم دلار در کل ذخائر رسمی بین المللی طبق آمار منتشره حدود ۶۳ درصد بود و با توجه به وزن دلار در ذخائر ارزی میتوان به اثر کسری موازنه پرداختهای امریکا و سیاستهای اقتصادی آن کشور پی برد. کسری فزاینده موازنه پرداختهای امریکا یکی از علل افزایش روز افزون ذخائر بین المللی است و عواملی دیگر مانند سیاستهای ارزی کشورها مداخله برخی از کشورها در بازارهای ارز و فعالیت بازارهای سرمایه بین المللی در این افزایش موثر بودند. ذخائر بین المللی کشورها عمدتاً شامل ارز، طلا، SDR و اعتبار آنها نزد صندوق بین المللی پول میباشد.

سهم موجودی حق برداشت مخصوص در کل ذخائر بین المللی رسال ۱۹۷۸ در

اثر تخصیص مجدد SDR افزایش یافت و از ۲/۹ درصد به ۴/۱ درصد رسید.

وضع اعتباری صندوق رسال ۱۹۷۸ حدود ۳ میلیارد دلار کاهش یافت.

سهم دلار رکل ذخائر بین المللی (از نظر حجم) در سال ۱۹۷۹، ۹۰ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت ولی ارزش آن به قیمت بازار ۱۸۳ میلیارد SDR (حدود ۱۰۳ درصد) نسبت به سال قبل افزایش یافت و به ۳۶۰ میلیارد SDR رسید.

ذخائر بین المللی که به تعبیری همان نقدینگی بین المللی است از یکسو به واسطه تناقض های موجود در سیستم اقتصادی کشورهای ناشر ارز، بخصوص ایالات متحده و از سوی دیگر به دلیل سیستم پولی بین المللی موجود که فاقد يك مکانیزم ایجاد نقدینگی متناسب با احتیاجات جهانی باشد از رشد متوازی که هم کمک به رشد تجارت جهانی نماید و هم موجب تورم نباشد برخوردار نیست. به دلیل فوق توزیع نقدینگی بین کشورهای گوناگون بسیار نامتعادل است. کشورهای ناشر ارز (عمدتاً کشورهای صنعتی بخصوص ایالات متحده آمریکا) که نیاز کمتری به حفظ ذخائر ارزی دارند مالک حدود ۶۰ درصد از کل ذخائر پولی بین المللی می باشند در حالیکه کشورهای در حال توسعه غیر نفتی که ذخائر خود را از طریق صادرات مواد خام اولیه و خصوصاً از طریق استقراض از بازار پول و سرمایه تأمین میکنند بسیار کثرت جمعیت فقط مالک ذخائر ۲۱/۷ درصد از بین الملل می باشند. جدول شماره ۲ نشان می دهد که سهم دلار در کل ذخائر رسمی بین المللی حدود ۶۳ درصد می باشد، به این عوامل باید فعالیت های بیرویه بازارهای سرمایه بین المللی علی الخصوص بازار دلار اروپائی را افزود این بازارها که عمدتاً شامل شبکه بانکی کشورهای غربی می باشد از یکسو ذخائر ارزی کشورها را حفظ نموده و از سوی دیگر با اعطای وام به مقامات رسمی کشورها موجب رشد نقدینگی بین المللی میگردد. طبق برآوردهای مقدماتی حجم ناخالص منابع پولی این بازارها از ۱۰۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته است.

فزون رشد نقدینگی نسبت به احتیاجات جهانی که توسط بازارهای سرمایه بین المللی (عمدتاً بازار دلار اروپائی) تسریع میگردد، از ظرفیت اقتصاد

بین المللی به مراتب بیشتر است، این امر از یکسوی باعث تشدید تورم در سطح جهانی، انتقال تورم به تمام کشورهای جهان و از سوی دیگر باعث تغییرات نامساعد نرخ ارزها، خصوصاً "تنزل دلار میگرد" از این رو مقامات صندوق بین المللی به منظور کمک به ایالات متحده در جذب این نقدینگی توسط اقتصاد بین المللی و ممانعت از ورود آن به امریکا در صدور ایجاد مکانیزمی موسوم به "حساب جانشینی" میباشند چنانچه ضوابط این حساب به مورد اجراء در آید کشورهای متمکن بطور داوطلبانه تمام یا قسمتی از ذخائر دلاری خود را به این حساب سپرده و در مقابل اوراق قرضه^ی برحسب SDR و با نرخ بهره معینی که نوسان خواهد داشت دریافت میکنند.

جدول شماره (١١)

نسبت اجزاء ذخایرین الملی در کل ذخایر
(طلا بنه قیمت ۳۵ SDR هراونس)

۱۹۷۹		۱۹۷۸			
رشد سال	درصد از کل	میلیون SDR	درصد از کل	میلیون SDR	
۶۱/۳	۸۱/۳	۲۴۵۰۷۱۷	۷۹	۲۲۰۰۸۴۵	ارز
۵۳/۸	۴/۱	۱۲۰۴۷۹	۲/۹	۸۰۱۱۰	SDR
-۲۰/۷	۳/۹	۱۱۰۷۶۰	۵/۴	۱۴۰۸۳۹	وضع اعتباری در صندوق
-۹	۱۰/۷	۳۳۰۴۲۶	۱۲/۷	۳۵۰۶۴۹	طلا
۴/۴	۱۰۰	۳۰۲۰۳۸۲	۱۰۰	۲۷۹۰۴۴۳	جمع کل

جدول (۱۲)

توزیع ارزهای عمده در موجودی ذخایر ارزی

(میلیارد SDR)

۱۹۷۸		۱۹۷۹		
مبلغ	درصد به کل	مبلغ	درصد به کل	
۱۶۲/۳	۷۵/۷	۱۵۴/۷	۶۳/-	دلار
۲/۷	۱/۲	۳/۷	۱/۵	لیره استرلینگ
۸/۴	۳/۸	۱۰/۳	۴/۲	مارک
۱/۵	۰/۷	۱/۵	۰/۶	فرانک فرانسه
۱۵/۱	۶/۹	۱۷/۷	۷/۲	سایر ارزهای اروپائی
-	-	۳۲/۵	۱۳/۲	واحد پول اروپائی
۱۹۵	۸۸/۳	۲۲۰/۴	۸۹/۷	جمع ارزهای فوق
۲۵/۸	۱۱/۷	۲۵/۳	۱۰/۳	سایر ارزها
۲۲۰/۸	۱۰۰	۲۴۵/۷	۱۰۰	جمع کل

Source: IMF Survey, June 3, 1980

جدول ۱۳

توزیع ذخایر ارزی بین گروه کشورها
(میلیون SDR)

۱۹۷۹

۱۹۷۸

رشد در سال ۱۳۵۸	درصد از کل	مبلغ	درصد از کل	مبلغ	
۱۱/۳	۱۰۰	۲۴۵۰ ۷۱۷	۱۰۰	۲۲۰۰ ۸۴۵	۱- جمع کل
۶/۹	۵۵/۳	۱۳۵۰ ۹۸۰	۵۷/۵	۱۲۷۳ ۱۷۲	۲- کشورهای صنعتی
۲/۷	۲۰/۷	۵۰۰ ۹۲۸	۱۸/۲	۴۰۰ ۷۲۳	۳- اوپک
۹/۷	۲۴	۵۸۰ ۸۰۹	۲۴/۳	۵۳۶ ۰۱	۴- سایر کشورهای در حال توسعه

Source : IFS, May 1980

وضع طلا در سال ۱۹۷۹

بطور کلی طی سال ۱۹۷۹ بازار طلا دوران متشنج و ناآرامی را گذراند و روند قیمت طلا صرف نظر از برخی گامهای سریع، صعودی بود. طی این دوره قیمت‌های در بازار طلا به ثبت رسید که در تاریخ این فلز بی سابقه بود. بطوریکه نوسانات قیمت طلا طی این دوره به مراتب بیشتر از دوره مشابه در سال گذشته بود.

طی این دوره قیمت طلا علاوه بر متاثر شدن از عوامل اقتصادی (مانند عرضه و تقاضای این فلز) به میزان وسیعی تحت تاثیر عوامل غیر اقتصادی از قبیل بورس‌های، بحران‌های اقتصادی و سیاسی اجتماعی و تشنجات سیاسی در سطح بین‌المللی قرار گرفت. یکی از عوامل جدیدی که در قیمت طلا بسیار ^{تاثیر} واقع گردید، ایجاد تنوع در دارایی‌های ذخیره‌ای کشورهای و ترس از مصادره دارایی‌های داری کشورها، توسط آمریکا بود. متنوع کردن سرمایه‌گذاریها توسط معامله‌گران و کشورها در این دوره به افزایش قیمت طلا کمک کرد. در سال ۱۹۷۹ قیمت طلا حدود ۱۲۷ درصد بر حسب دلار افزایش یافت. درصد افزایش قیمت طلا بر حسب فرانک سوئیس و مارک نیز در همین حدود بود.

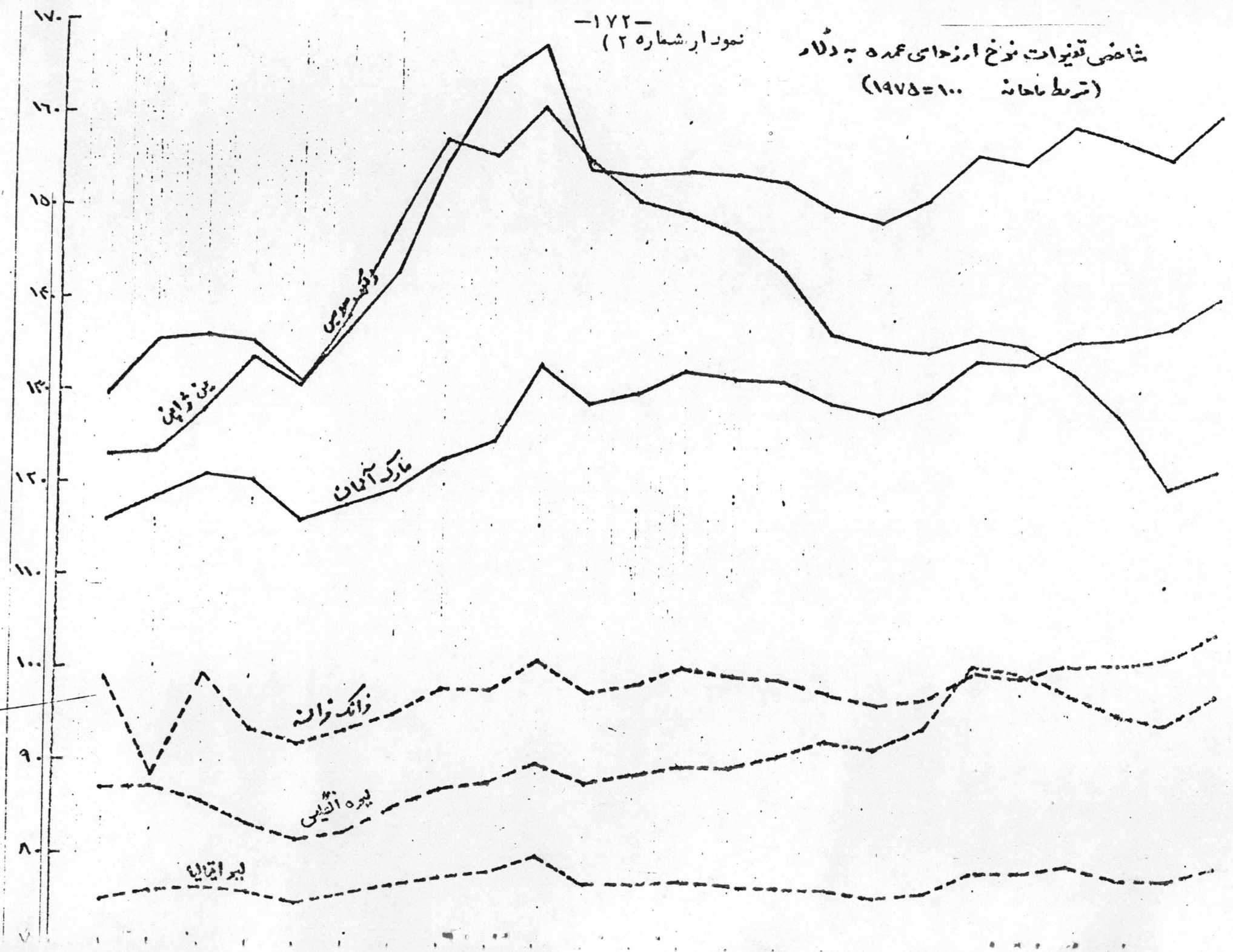
این چنین افزایش قیمت طلا تنها به علل عوامل اقتصادی نبوده است، زیرا عوامل اقتصادی مشهودی که بررسی شده است یگانه عامل نوسانات شدید قیمت طلا نبود.

بطور کلی بنظر میرسد که در دوره منتهی به اکتبر ۱۹۷۹ عامل اصلی افزایش قیمت طلا، افزایش تقاضا برای طلا از سوی ممالک خاورمیانه بوده است. برخی از این ممالک با خرید طلا در ترکیب ذخایر ارزی خود تغییراتی داده‌اند.

در ماه‌های نوامبر و دسامبر سال مورد گزارش عامل اصلی افزایش قیمت طلا افزایش تقاضای بورس بازان بوده است. تغییرات اوضاع بین‌المللی در نوامبر و دسامبر سال ۱۹۷۹، ابتدا مسئله گروگان‌های ^{آمریکایی} در ایران و سپس مسئله افغانستان، بی‌اعتمادی

شاخص تغییرات نرخ ارزهای عمده به دلار
(مربوط به سال ۱۳۵۸=۱۰۰)

-۱۷۲-
نمودار شماره ۲



(موسم به موسمه)

تخصیصات نرخ برابری دلار به حق برداشت محصول

(متوسط ماهانه)

